

نامه مردم

ارگان مرکزی حزب توده ایران

دوره هفتم، سال دوم، شماره ۴۲۰
پنجشنبه ۲۵ دی ۱۳۵۹، مطابق با
۸ ربیع الاول ۱۴۰۱، بها ۱۵۰ ریال

دو سال بعد از فرار طاغوت: هنور بعد از شاه نوبت آمریکاست

☆ در دومین سالروز فرار شاه ملعون، مردم قهرمان ایران، پاملی شدن اموال طاغوت و بستگانش، مبارزه را در همه ابعاد علیه دشمن اصلی خلق های ایران و جهان - امپریالیسم آمریکا ادامه میدهند.

بعد از شاه نوبت آمریکاست! آسمان وطن در غرش این شعار «شاه رفت» منتشر شدند: مرحله دو سال پیش، در روزی که می لرزید. دیگری از انقلاب به پیروزی شاه ملعون سرانجام گریختو ظهر ۲۶ دیماه ۱۳۵۷، رسیده بود. شاه ملعون، که با بدامان اربابان خود پناه برد، روزنامه های تهران با قیتر بزرگ بقیه در صفحه ۲

کمیته مرکزی حزب توده ایران: گفتگویی با سازمان مجاهدین خلق ایران

صفحات ۴، ۵، ۶

از توطئه در شرکت واحد اتوبوسرانی تهران بموقع جلوگیری کنیم

☆ واحدهای تولیدی - خدماتی را با تکیه بر اصول سه گانه تفکیک ناپذیر: مدیریت انضباطی، نظارت شوری و شکل صنفی اداره کنیم.
☆ مسائل شرکت واحد اتوبوسرانی تهران را با توجه به مصالح انقلاب، بالابردن کارائی فعالیت و تامین خواسته های بحق کارکنان حل کنیم.

ضد انقلاب قصد دارد پاریدر شرکت واحد اتوبوسرانی تهران را به اعتصاب و تحمیل بکشد. حتی صحبت از آنست که این بار اعتصاب به یک ناحیه محدود نخواهد ماند، بلکه مناطق چهارگانه در وحدت عمل با هم اقدام خواهند کرد.
هدف ضد انقلابیون از دامن زدن به توطئه اعتصاب در شرکت واحد، هماهنگ ساختن آگاهانه این اقدام با «توطئه هفتم آمریکاست». اینان نقش مهمی برای تشنج در واحدهای کارگری و خدماتی قائلند و بدستی می دانند که به تشنج کشاندن محیط های کارگری، آنهم در واحدی نظیر شرکت واحد اتوبوسرانی تهران، برای مقاصد امپریالیسم

و ارتجاع فوائد بسیار دارد.
اما این هدف ضد انقلاب و توطئه گرانی است که می خواهند از عدم رضایت کارکنان شرکت واحد، از یک طرف، و عدم آگاهی قشر محدودی از افراد به عمق نقشه های ضد انقلاب، از طرف دیگر، سوء استفاده کنند و به نیات ضد کارگری و ضد انقلابی خود جامه عمل بپوشانند. در آنچه که مربوط به توده شریف و زحمتکش شرکت واحد اتوبوسرانی است، باید گفت که اینان با وجود کار سنگین که در شرایط فعلی بعهده شان واگذار شده، بدستی می دانند که مسائل شرکت واحد را، باید اولاً با توجه به مصالح انقلاب، ثانیاً، بالابردن کارائی فعالیت شرکت و ثالثاً تامین خواسته های بحق کارکنان حل و فصل کرد
رعایت مصالح انقلاب در شرایط خطیر کنونی مستلزم آنست که از هرگونه اعتصاب، تحمیل، تشنج و نظایر آن در محیط های صنعتی و خدماتی جلوگیری بعمل آید. هیچ تبلیغی و تپیجی، ولو با طرح ضروری ترین خواسته های کارگران و کارمندان، نباید باعث شود، که اینان ضرورت حل مسائل از راه مذاکره و حفظ آرامش بقیه در صفحه ۲

طی ۳ روز گذشته، در جبهه های جنوب و غرب دهها تانک و چند انبار بزرگ مهمات دشمن نابود شد

☆ در عملیات ۲۰ دی در جبهه آبادان، ۳ مملی کوپتر دشمن سرنگون و ۵۷ تانک آن نابود شد.
☆ تجاوزگران صدامی همچنان به بمباران مناطق مسکونی شهرها ادامه می دهند

رزمندگان انقلاب با سرسختی و جانبازی همچنان، دشمنان متجاوز را در جبهه های نبرد خلق با امپریالیسم آمریکا، زیر ضربات بولادین خود گرفته اند. اخبار رسیده نمایانگر پیروزیهای دیگر این سلحشوران انقلاب و جمهوری اسلامی ایران در مصاف با خصم جنایتکار است.
سنگ مشترک از آنی جمهوری اسلامی ایران، در اطلاعیه شماره ۳۷۳ خود، قسمتی از عملیات نیروهای مسلح را در روزهای گذشته تشریح کرده است. این اطلاعیه از جمله آمده است: «۱- در جبهه غرب، در عملیات ۲۲ دی ماه، ۱۳ دستگاه تانک، یک دستگاه نفربر و یک دستگاه بولدورز دشمن بکلی نابود شد. در این عملیات یک فروند هلی کوپتر دشمن در ساعت ۱۶ روز ۲۲ دیماه، با آتش توپخانه پدافند هوایی ما، منهدم شد. در جریان این نبرد، بیشتر خدمه تانکهای دشمن بهلاکت رسیدند و تعداد زیادی زخمی شدند. در جریان عملیات روزهای ۲۰، ۲۱ و ۲۲ دیماه در کیلان غرب، یک تیپ پیاده کوهستانی عراق نابود شد و کلیه مدارک مربوط به فرماندهی تیپ یاد شده بدست دلاوران ما افتاده است.
۲- در جبهه جنوب، در محور آبادان - ماهشهر، در روز ۲۲ دیماه، بر اثر آتش شدید توپخانه بقیه در صفحه ۲

آیت الله منتظری: مسامحه کاریهایی در آموزش سلاح سنگین به پاسداران دیده میشود

فقیه عالیقدر آیت الله منتظری، در پیامی به سمینار مسئولان آموزشی سپاه پاسداران سراسر کشور، از جمله گفتند: «ملت ما آرزو دارد که سپاه پاسداران بتواند تمام نیروهای جوان و انقلابی را در پوشش خود جذب کند».
آیت الله منتظری در پیام خود افزودند: «اینجانب کراز این نکته

(آموزش سلاحهای سنگین) رابه مسئولین تذکر داده ام و باینکه شنیده ام این آموزش در سپاه شروع شده، ولی از قرار اطلاع، هنوز آنطور که شایسته است، توجه نمیشود و مسامحه کاریهایی به چشم میخورد. مسئولین محترم توجه دارند که آموزش سپاه پاسداران به انواع سلاحهای سنگین، علاوه بر تقویت بنیه نظامی و مسلح جمهوری اسلامی ایران و بوجود آوردن امکان همکاری و هماهنگی کامل با برادران غیور ارتش در مواقع حساس، موجب تقلیل تلفات و ضایعات انسانی خواهد شد. چه بسا مواردی که اگر برادران سپاه، آموزش سلاح سنگین داشتند، از ریخته شدن خون جوانانی عزیز و فداکار که سرمایه های این مملکتند،

وزیر مشاور در امور اجرائی - در جلسه علنی دیروز مجلس گفت:
امریکا هر چه از دستش بر آید علیه انقلاب ما میکند

آیت اله دکتر بهشتی: امپریالیسم جهانی در راه موفقیت نهایی ملت ایران کارشکنی خواهد کرد

☆ دشمنان ما می خواهند جامعه ما امروز متشنج باشد و ملت ما مصمم است، مانع این تشنج شود.
☆ هیچ تفاوتی بین ریگان و کارتر نیست.

آیت الله دکتر بهشتی، رئیس دیوان عالی کشور، در مصاحبه مطبوعاتی هفتگی خود به سئوالات خبرنگاران داخلی و خارجی پاسخ گفت. دکتر بهشتی در ابتدا بقیه در صفحه ۲

برای درهم کوبیدن انقلابیون
بفرمان آمریکا، ارتش های مزدور گواتمالا
و هندوراس وارد السالوادور شدند
صفحه ۸

برای مبارزه با امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم!

از توطئه در شرکت واحد...

بقیه از صفحه ۱

انقلابی را زیاد بیرند. خودداری و جلوگیری از اعتصاب، تحسن و تسخیر محیطهای کارگری، آنها محیطی نظیر شرکت واحد اتوبوسرانی، از عمدهترین وظایف انقلابی خود زحمتکشان است و باید با نیروی جمعی خود آنان حفظ و حراست گردد.

اما شرکت واحد اتوبوسرانی، که در شمار بزرگترین و پیچیدهترین واحدهای خدماتی شهری به عظمت تهران است، محتاج حداقل کارآئی است. با اینکه مسئولیت فردی برای اداره این واحد عظیم ضرور است، بدون شور و مشورت شورائی موثر، ذیبنفوذ، مورد اعتماد کارکنان و آگاه به مسائل فنی و اقتصادی و مالی، اعتلاء فعالیت و بالا بردن کیفیت شرکت واحد اتوبوسرانی تهران مقدور نیست.

سابقه کار دههساله شرکت واحد، صدها فرد آگاه به تخصصهای گوناگون در دامن این شرکت پرورانده است. اینان می توانند و باید در اداره شرکت واحد صاحب نظر و رای باشند. این ادعا، که کارکنان شرکت واحد فاقد صلاحیت شرکت در اداره شورائی این واحد عظیم هستند و بنابراین مدیریت شرکت باید مطلق العنان باشد، از پایه نادرست است. مدیریت شورائی، بدین معنی که مسئولیت فردی مدیر انقلابی و نظارت شوراهای انتخابی کارکنان با هم تلفیق گردد، مدیر ذرعین داشتن مسئولیت فردی، اجبار به رعایت پیشنهادهای شورا داشته باشد، بهترین ضمان اداره مشرئم و بالا بردن فعالیت و کیفیت کار شرکت واحد است.

لیکن کارکنان شرکت واحد خواستهای صنفی- اجتماعی نیز دارند که باید اولاً از جانب خود آنان عنوان و ارائه شود، ثانیاً تشکل آنان را در جهت دفاع از منافع صنفی و انقلابی شان، که در جریان انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی ما از هم تفکیک ناپذیرند، تحقق بخشد. برای تحقق این خواستها، یعنی برای آنکه مطالبات بحق کارکنان شرکت واحد با رعایت مقدمات کنونی، برآورده شود و ذرعین حال تشکل آنان بسود انقلاب و منافع اجتماعی زحمتکشان صورت پذیرد، کارکنان شرکت واحد محتاج برخورداری از حق قانونی تشکیل انجمنهای صنفی خود هستند.

تشکل کارکنان شرکت واحد در انجمنهای صنفی (اتحادیه ها و سندیکاها) و برخورداری آنان از حقوقی که اصل ۲۶ قانون اساسی جمهوری اسلامی و قانون کار مقرر داشته، موجب آن می شود که در وجود انجمنهای صنفی (اتحادیه ها و سندیکاها) سازمانی که قادر به دفاع از انقلاب و مانع از استفاده ضدانقلاب از تفرقه در میان کارکنان باشد، بوجود آید. بعلاوه، انجمنهای صنفی (اتحادیه ها و سندیکاها) خود بهتر از هزارگان دیگری قادر به تعدیل خواستهای کارکنان و مجری بهترین روشها بسود انقلاب و منافع کارگران و زحمتکشان خواهند بود.

مدیریت انقلابی با مسئولیت فردی، نظارت موثر شورائی و تجمع و تشکل صنفی (سندیکائی) کارکنان در همه واحدهای تولیدی و خدماتی، بویژه در واحدهای عظیم نظیر شرکت واحد اتوبوسرانی، بهترین نتایج را از نظر مصالح انقلاب، بالا بردن کارآئی تولید و خدمات و حل و فصل خواستهای کارکنان در جهت تقویت مواضع جمهوری اسلامی ایران، خنثی کردن توطئههای ضد انقلاب داخلی و امپریالیسم جایتکار جهانی، بسرگردگی امپریالیسم آمریکا، بدست می دهد. نفی مدیریت انقلابی با مسئولیت فردی و یا مغلوب و مخلوط کردن رلایف شوراها و سندیکاها، به هیچ شمردن نقش شوراها در نظارت بر تولید اجتماعی و مخالفت با تشکلهای صنفی زحمتکشان، تحت این عنوان که گویا سندیکا یا «طاغوتی» و یا «کمونیستی» است، موجب انحلال عظیم در اداره تولید و خدمات و تنظیم روابط کار و فعالیت در جامعه انقلابی ما شده است. باید به این وضع سرو صورت منطقی و انقلابی بدهیم.

ما ضمن اینکه به مقامات دولت جمهوری اسلامی ایران در مورد توطئههای ضد انقلاب در واحدهای عظیم تولیدی و خدماتی، نظیر شرکت واحد اتوبوسرانی، هشدار می دهیم، توجه آنان را به درک اهمیت و بکاربردن شیوه های ضرور و منطبق با مصالح انقلاب در مرحله کنونی رشد آن نیز جلب می کنیم. وقت آن رسیده است که اصول سه گانه تفکیک ناپذیر: مدیریت انقلابی با مسئولیت فردی، نظارت موثر شورائی و تجمع و تشکل صنفی (سندیکائی) را بعنوان منطقی ترین شیوه انقلابی در اداره مسائل مربوط به تولید و خدمات و حل و فصل مسائل کارگری بکار بندیم و از نتایج مفید و موثر آن در دفاع از انقلاب، احیاء فعالیت و کارآئی در محیطهای تولیدی و خدماتی، تسخیر ذاتی و استقرار آرامش در محیطهای کارگری برخوردار شویم. توجه داشته باشیم که نقض هر یک از این اصول سه گانه، چنانکه دوران پس از انقلاب بدرستی و بوضوح نشان می دهد، نتیجه ای خلاف مصالح و منافع انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی، که حفظ آن باید مقدم بر هر چیزی باشد، ببار می آورد.

کارگران و زحمتکشان ایران انقلابی! کارکنان شریف و مبارز شرکت واحد اتوبوسرانی!

برای تحقق نظم تولیدی - خدماتی برپایه مدیریت انقلابی، نظارت شورائی و تجمع و تشکل صنفی، چنانکه در این نوشته متذکر شده ایم، مبارزه کنید. اما بهوش باشید که خواستهای شما، چه در زمینه بهبود شرایط کار و زندگی، چه در زمینه فعالیتها سیاسی- اجتماعی، در شرایط کنونی انقلاب عظیم خلقی ما و توطئههای گوناگون امپریالیسم جایتکار آمریکا و جنگ تجاوز کارانه رژیم صدام، فقط و فقط در شرایط حفظ آرامش در محیطهای کار و زندگی شما می تواند تحقق یابد. هرگونه اعتصاب، تحسن، راهپیمائی و تشنج بسود دشمن طبقاتی شما، یعنی امپریالیسم و ضد انقلاب داخلی است، که سرمایه داری وابسته و زمینداری بزرگ هسته مرکزی آن را تشکیل می دهد.

بهوش باشید! آرامش در محیطهای کارگری را مانند مردمک چشم خود حفظ کنید. این مهمترین وظیفه زحمتکشان در لحظه حساس کنونی است.

هنوز بعد از شاه، نوبت امریکاست...

بقیه از صفحه ۱

کشاورهای جمعی حکومت نظامی و دیسکر دسایس رنگارنگش نتوانسته بود تخت تنگین سلطنت خود را بیش از این یر دریای خون توده ها برپا نکند، مانند همه وطن فروشان و جلاخان تاریخ، با دو هویا، که حامل دوطن، او، یعنی جواهرات و ثروتی غارت شده از مردم ایران بود، از ایران فرار کرد.

با فرار شاه ملعون خیابانهای تهران، که شب قبل کنستارگاه توده ها بود، به میدان جشن و شادمانی تبدیل شد. مردم قهرمان ما پای کوبی و شادمانی میکردند. همه به هم لبخند میزدند، قفل و کل بر سر و روی یکدیگر می ریختند. در میدانهای شهر در غریب فریاد: «جلاان سرنگون شد»، مجسمه های طاغوت را پائین می کشیدند. و بر فراز فریادهای شادمانی و غریو پیروزی، خلقی که بعد از ۲۵۰۰ سال، سرانجام تبار شاهان را به زباله دان تاریخ فرستاده بود، در شعار یگانه خویش، مرحله بعدی نبرد را تدارک می دید:

بعد از شاه نوبت امریکاست!

اکنون، بعد از دو سال که از فرار شاه ملعون می گذرد، خلق قهرمان ایران در متن این نبرد قسار دارد. در دو سال گذشته، شاه ملعون در زباله دان تاریخ مدفون شده است. اما

امپریالیسم جهانی...

بقیه از صفحه ۱

درباره جنگ تحمیلی عراق به ایران گفت:

«از آغاز جنگ مکرر این نکته یادآوری شده که امپریالیسم جهانی در راه موفقیت نهایی ملت ایران کارشکنی ها خواهد کرد، حاذقه ها خواهد آفرید و ملت قهرمان ایران باید برای یک نبرد طولانی با این حاذقه آفرینان آماده باشد.»

آیتاله بهشتی در قسمت دیگر مصاحبه خود درباره دیدار دیروز خود با سفیر رومانی، از جمله گفت:

«سفیر رومانی درباره مسائل مربوط به کمبکهای که روابط اقتصادی میان دو کشور، می تواند بوجود آورد صحبت کرد و روابط تجارتهای ما با رومانی داریم و اینکه چگونه می شود این روابط را با حفظ کامل استقلال هر دو طرف به نفع رساند.»

«یکی از نماینده های مجلس درباره کنفرانس اسلامی گفته است: امریکای جهانخواهر سرکوبی جمهوری اسلامی تدارک دیده است. نظر شما چیست؟»

دکتر بهشتی گفت: «بی شک، کنفرانس اسلامی از کسانی تشکیل نمی شود که هر یک براستی نماینده مردم کشور اسلامی خویش باشند. در میان این سران گمان زیادی هستند که براسستی نماینده کشور خویش نیستند. بنابراین، چنین گره های، صد درصد خط تاملین اسلام و مسلمین بکار گرفته نخواهد شد.»

آیتاله بهشتی در قسمت

این نبرد سترگ تاریخی ادامه دارد. مردم قهرمان ما، شعاری را که در روز فرار شاه ملعون فریاد زدند، با تمام هستی خود دنبال می کنند. خلق های ایران به تجربه می دانند که استقلال واقعی، آزادی راستین، ترقی و سعادت، و پیروزی قطعی و نهائی انقلاب در گرو تحقق این شعار، یعنی ریشه کن کردن دشمن اصلی - امپریالیسم به سرکردگی امریکا است.

اکنون، دو سال بعد از فرار شاه ملعون، مردم قهرمان ما در نبرد روبرو با تجاوزگران برانگیخته امریکا، یعنی لشکریان صدام هستند.

اکنون، دو سال بعد از شعار «بعد از شاه، نوبت امریکاست» مردم قهرمان ما با خطر تهاجم مستقیم نظامی امریکا روبرو هستند.

و امروز، در دومین سالروز فرار طاغوت، مردم قهرمان ایران یکپارچه و متحد، آماده اند تا نبرد خود را تا پایان ادامه دهند و امپریالیسم خونخوار و غارتگر و تجاوزکار را از تسلط مجدد بر خاک میهن انقلابی خود، ناامید کنند.

در همین روزها، مجلس شورای اسلامی ایران، لایحه ملی شدن اموال شاه ملعون و بستگان او را تصویب می کند. باین ترتیب،

بقیه از صفحه ۱

و سلاحهای سنگین رزمندگان نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران، ۱۰ دستگاه تانک، یک قبضه خمپاره انداز، یک انبار مهمات و ۳ سنکرتیروهای ارتش صدام مزدور، بکلی منهدم شد.

همچنین با اجرای آتش توپخانه رزمندگان ما، یک انبار مهمات دشمن در محور دارخوین-مارده، به آتش کشیده و منهدم شد.

۳- رزمندگان نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران در عملیات ۲۰ دیماه در جبهه شمال شرقی آبادان، توانستند ۳ فروند هلی کوپتر دشمن را سرنگون کنند که سقوط یک فروند آنها دراطلاعی های قبلی گزارش شده است.

در این عملیات ۵۷ دستگاه تانک، ۳۴ دستگاه خودرو، یک قبضه قیربار کالیبر ۵۰، منهدم و ۴ انبار مهمات ارتش عراق به آتش کشیده شد و جمعا ۲۱۲ تن از سربازان صدام مزدور کشته و زخمی شدند.

۴- از ساعت ۱۷:۴۰ پرپر روز ۲۲ دیماه) شهر دزفول، زیر آتش توپخانه دشمن قرار داشت که بر اثر آتش توپخانه دشمن، ۹ تن از هم میهنان عزیزمان مجروح و ۲ تن به درجه شهادت نائل آمدند.

۵- روز ۲۲ دیماه، جان برکفان نبرد برای پاساری علیه دشمنان را با شادمانی و مدفون ادامه داده اند.

در دو سال گذشته، امپریالیسم مردم قهرمان ایران تدارک دید و در دو سال گذشته، امپریالیسم آمریکا با «انقلاب»، کوشیده است مردم قهرمان ما را بزانو در آورد و باز دیگر وطن ما را به غارت و جنایت امپریالیسم بینداند. در طول این دو سال، خلق قهرمان ایران با فریاد «مرگ بر امریکه» زمزمه کرده و همانطور که رهبر انقلاب گفت: «همه فریاد های خود را بر سر امریکا کشیده اند.

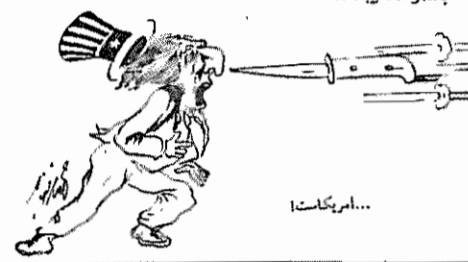
نبرد برای پاساری علیه دشمنان را با شادمانی و مدفون ادامه داده اند.



بعد از شاه نوبت...



بعد از شاه نوبت...



بعد از شاه نوبت...

نبرد برای پاساری علیه دشمنان را با شادمانی و مدفون ادامه داده اند.

نبرد برای پاساری علیه دشمنان را با شادمانی و مدفون ادامه داده اند.

نبرد برای پاساری علیه دشمنان را با شادمانی و مدفون ادامه داده اند.

نبرد برای پاساری علیه دشمنان را با شادمانی و مدفون ادامه داده اند.

نبرد برای پاساری علیه دشمنان را با شادمانی و مدفون ادامه داده اند.

نبرد برای پاساری علیه دشمنان را با شادمانی و مدفون ادامه داده اند.

نبرد برای پاساری علیه دشمنان را با شادمانی و مدفون ادامه داده اند.

نبرد برای پاساری علیه دشمنان را با شادمانی و مدفون ادامه داده اند.

نبرد برای پاساری علیه دشمنان را با شادمانی و مدفون ادامه داده اند.

نبرد برای پاساری علیه دشمنان را با شادمانی و مدفون ادامه داده اند.

نبرد برای پاساری علیه دشمنان را با شادمانی و مدفون ادامه داده اند.

نبرد برای پاساری علیه دشمنان را با شادمانی و مدفون ادامه داده اند.

نبرد برای پاساری علیه دشمنان را با شادمانی و مدفون ادامه داده اند.

نبرد برای پاساری علیه دشمنان را با شادمانی و مدفون ادامه داده اند.

نبرد برای پاساری علیه دشمنان را با شادمانی و مدفون ادامه داده اند.

به خواسته‌های بحق کارگران شرکت «آرسنال» هر چه زودتر رسیدگی کنید!

عدم پرداخت دستمزدها کارگران آنهم درچنین زمانی زمینہ را برای فعالیت مخرب ضدانقلاب فراهم می کند.

چندی پیش گروهی از کارگران شرکت ساختمانی "آرسنال"، به علت عدم دریافت حقوق سه ماهه، ضعف مدیریت و عدم برخورداری از حداقل امکانات رفاهی، دست از کار کشیدند. شرکت ساختمانی "آرسنال" با حجم کاری در حدود هشتصد میلیون ریال، بیما نکار مرحله سوم شرکت واگن پارس - آراکا است. این شرکت با ۹۰ کارگر و کارمند، مدت شش ماه است که شروع به کار کرده، ولی تاکنون در ارتباط با حل مسائل کارگری، از قبیل تهیه سرویس، غذاخوری و دفترچه بیمه کارگران هیچگونه اقدامی بعمل نیاورده است.

کارگران این شرکت، با وجود تحمل کمبودها و نارسائی های فراوان، به کار خود ادامه دادند. اما به علت عدم دریافت حقوق سه ماهه ۶۷ نفر از آنان که با خانواده خود در شرایط بسیار بدی زندگی می کنند، به عنوان اعتراض دست از کار کشیدند. کارگران در این مورد می گویند:

"ما تمام کمبودها و نواقص را به خاطر وجود شرایط حساس کنونی تحمل کرده ایم. اما عدم دریافت حقوق، آنهم به مدت ۳ ماه، برای ما که هیچگونه ممر درآمد دیگری نداریم، برای ما کارگران گران قیمت فرسایند. ما مان سنگینی میکند، قابل تحمل نیست. زن و فرزندان ما نان میخواهند جواب آنها را چه بدهیم؟"

کارفرمای شرکت ساختمانی "آرسنال" علت عدم پرداخت حقوق کارگران را "بی پولی شرکت و تعطیل شدن کار صرافها - که درگذشته وام های شرکت را تا مین می کردند" می داند. او همچنین

از کارگران خواسته است که به مدت ۱۰ روز کارگاه را تعطیل کنند، تا پس از این مدت، با آنها تسویه حساب شود، که این خود به معنی اخراج کارگران از شرکت است.

می دانیم که طبقه کارگر ایران همواره در صف مقدم مبارزه، چه در دوران مبارزه علیه رژیم طاغوت و چه هم اکنون، در جبهه های نبرد علیه امپریالیسم آمریکا

ورژیم جنایتکار مدام قرار داشته است. نیز می دانیم که طبقه کارگر ایران به پیروزی نهایی انقلاب دل بسته است و تا این زمان تمام مصائب و مشکلات ناشی از دشواری های پس از انقلاب را به جان خریداریه است. از سوی دیگر واقعیت زندگی این طبقه محروم جامعه را نمی توان از نظر دور داشت: مخارج سرسام آور زندگی، بردون کارگران سنگینی می کند.

کارگران ریخته گر تهران:

صفت تجار و کارکنان ای که امپریالیسم آمریکا به وسیله رژیم مدام به کشور انقلابی ما حمل کرده است، ادامه سوطه های قبلی آمریکا در جهت تضعیف و براندازی جمهوری اسلامی ایران است.

این جنگ که از یک سو سبب خسارات بسیار زیاد مالی و جانی برای مردم ایران شده، از سوی دیگر یک پارچگی و وحدت صفوف خلق را در مقابل متجاوزان نشان داده است.

در این جنگ نیز مانند همیشه طبقه کارگر پیشواز دفاع از میهن انقلابی خویش است. کارگران ایران در همه حال با هوشیاری و قاطعیت به مبارزه علیه امپریالیسم ادامه می دهند.

در این زمینه با چند تن از کارگران ریخته گر کارگاه های خیابان فدائیان اسلام گفتگویی داریم:

در ابتدای کوچهای تلی از آهن پاره و ماشین های اسقاط شده به روی هم انباشته شده است. شیب کوچ را پشت سر می گذاریم و وارد قسمت هموار آن می شویم. باریکه های آب در شیارهای زمین نفوذ کرده و، بر اثر راکد ماندن، به لجن تبدیل شده اند. در این کوچ حدود ده کارگاه ریخته گری وجود دارد و خاک کوچ در قسمت هایی که این کارگاه ها قرار گرفته اند، به سیاهی می زند.

کارگران این کارگاه ها اکثرا مهاجرینی هستند که، بدنیا لقمه ای نان، سال های سال است از زادگاه خود بدور افتاده اند. آن ها در ابتدای جوانی وارد کارگاه ریخته گری شده اند و هر کدام بعد از چندین سال کار کردن بای کوره آتش، گویی سلامتی شان به همراه دود های آتش به هوا رفته است. حرارت ۱۴۰۰ درجه ای کوره و دود و دم فراوان آن، بعد از مدتی سبب از بین رفتن چشمها، دندان ها و خرابی سینه ها می گردد. حال آتیا سرنوشت کارگران من این کارگاه ها، در مورد جوانانی که تازه شروع کرده اند نیز تکرار خواهد شد؟

فقدان وسایل ایمنی کار، از قبیل ماسک، عینک و لباس های مناسب و اغلب به یاد داشتن فقط یک دمبایی در مقابل آتش، خود برضایعات ناشی از کار می افزاید.

بیمه نیستند، قانون کار شامل آن ها نمی شود. روزهای تعطیل از حقوق محرومند و حقوقشان نیز از ۱۴۰۰ لری ۱۵۰ تومان در روز تجاوز نمی کند. تازه فقط با ۱۰ تا ۱۱ ساعت کار می توانند چنین مزی در یافت کنند.

اتحادیه دارند، ولی اصلا به دردهایشان رسیدگی نمی کند.

کارگران شرکت "آرسنال" نیز از قاعده فوق مستثنی نیستند. این کارگران خود تصریح می کنند که: "با وجود تمام مشکلات، با زهم کار کردیم. در حقیقت آتش محرومیت ها و فشار زندگی را به جان خریدیم و جرخ های تولیدی شرکت را برآه انداختند. در چنین حالتی، عدم پرداخت مزد به کارگران، به هر بهانه تنهایی تواند جواب لای چرخ

تازمانیکه انقلاب هست، توطئه از جانب آمریکانیز هست

* پیروزی ما در این جنگ حتمی است.
* این جنگ سبب اتحاد بیشتر مردم و شناخت درست دوستان و دشمنان انقلاب گردیده است.
* کارگران باید برای مقابله با جنگی بیشتر تولید کنند.
* علت جنگ، جلوگیری از گسترش انقلاب ایران است.

روای اتحادیه در فکر همه چیز و همه کس جز کارگران هستند. تلاش کارگران این صنف برای ایجاد اتحادیه ای که مستقل باشد و باری را از دوششان بردارد، به جایی نرسیده است. با تمام این مشکلات و با همه فقر و مسکنتی که دارند، وقتی نظرات آن ها را راجع به جنگ تحمیلی عراق به ایران و مبارزه با امپریالیسم آمریکا می شنویم و روحیه رزمندگی آن ها را می بینیم، در دل می گوئیم:

چشمان امپریالیسم کور است و این همه شور و شوق انقلابی خلق ها را نمی بیند و همچنان خیال به بند کشیدن و غارت آن ها را دارد.

از کارگران علت جنگ را جویا می شویم؟ می گویند: "این جنگ، جنگی تحمیلی از طرف آمریکا و سایر امپریالیست ها و رژیم های مرتجع منطقه به ایران است و هدف از چنین جنگی شکست دادن انقلاب ایران و جلوگیری از گسترش و نفوذ آن است."

می گویند: "ایران که بر اثر انقلاب از همان روز اول شروع به ضدیت و دشمنی با این انقلاب کرد. او همه راه هایی را که ممکن بود این انقلاب را به شکست بکشاند، از تجهیز و مسلح کردن گروه های وابسته به خود در داخل کشور و ایجاد آشوب گرفته تا حملات مستقیم نظامی طیس را آزمایش کرد، ولی در همه این نقشه ها شکست خورد، و حالا رژیم مدام را به جان انقلاب ایران انداخته است، تا به خیال خام خود انقلاب ما را نابود کند. اما آمریکا جنایتکار باید بداند که ما کارگران با تمام کمبود و مشکلاتی که داریم، تا پای جان خود در دفاع از مملکت و انقلاب خود ایستاده ایم و اگر امام فرمان بدهد، بدون لحظه ای درنگ کاروانی و زن و فرزندان خود را رها می کنیم و به جبهه خواهیم رفت و مدام بیزید و حامیان را سر جایشان خواهیم نشاند."

می پرسیم: "آیا در بسیج ثبت نام کرده اید و آماده گوی اعرام به جبهه را دارید؟" چند نفر از آن ها، که جوان ترند، می گویند: "مدت ها قبل، از طویق سپاه پاسداران، آموزش نظامی

انقلاب بگذارد و کارگران را نسبت به انقلاب دل سرد کند و زمینه را برای فعالیت های مخرب ضد انقلاب فراهم کند، و اما سخنی با کارگران انقلابی شرکت "آرسنال" شما می توانید از طریق قانونی و مذاکره با مقامات مسئول به حقوق حقه خود دست یابید، تنها به این وسیله است که دشمنان انقلاب ناکام می مانند و شما نیز جای

شایسته خود را در صفوف بهم فشرده زحمتکشان ایران و در مبارزه ضد امپریالیستی حفظ خواهید کرد. نایب مسئولین شرکت "آرسنال" است که هر چه زودتر به خواسته های حق کارگران رسیدگی کنند. و از اقداماتی چون بستن کارگاه و اخراج کارگران، که در واقع عملی در جهت منافع ضد انقلاب است، دوری کنند.

دیده ایم و کاربرد سلاح های سبک را می دانیم. در ابتدای جنگ به سپاه مراجعه کردیم که ما را به جبهه اعزام کنند، اما گفتند که فعلا احتیاجی به شما نیست، اگر لازم شد اعلام خواهیم کرد."

کارگر من می گوید: "من در کلاس بسیج شرکت نکرده ام، ولی استفاده از اسلحه را بخوبی بلدم. برای اعزام به جبهه نیز مراجعه کردم، اما موافقت نشد. برادرم اکنون در جبهه در حال جنگ است. او هم کارگر است."

با آمریکا است. و برای آنکه این شکست تضمین بشود، دولت باید استعدادهای شگرفی را که در بین کارگران وجود دارد، پرورش دهد. دولت می تواند با قراردادن سرمایه در اختیار کارگران صنعتی و حمایت از آن ها، بسیاری از قطعاتی را که قبلا از خارج وارد می کرد، در داخل تولید کند و بدین ترتیب نقشه های آمریکا را برای محاصره اقتصادی ایران خنثی نماید."

سؤال می کنیم: "این جنگ چه اثراتی داشته است؟" می گویند:

"این جنگ بطور کلی باعث نزدیکی بیشتر مردم به یکدیگر شده و اتحاد و وحدت کلمه ای را، که امام همیشه روی آن تاکید می کند، دوباره قوت بخشیده است. یکی دیگر از اثرات مثبت این جنگ شناخت بیشتر و بهتر دوستان و دشمنان داخلی و خارجی انقلاب بوده است. ما به چشم خود دیدیم

که چه کشورهایی به ما کمک می کنند و چه کشورهایی به عراق و در داخل مملکت نیز شاهد بودیم که کدام یک از گروه ها به جنگ با عراق رفتند و کدام یک به جنگ دولت ایران. اما این جنگ ضررهای اقتصادی و مالی زیادی هم به ما زده است. مثلا پالایشگاه های ما

از بین رفته اند. خانه ها و شهرهای ما بمباران و خراب شده اند. ما باید با کار و تولید بیشتر و خودداری از اعتبار و کم کاری و کارشکنی، جبران همه این ضررها را بکنیم. مهم ترین وظیفه کارگران کشور ما در این لحظه های حساس این است که به شایعات

ضد انقلاب توجه نکنند و اسیر شعارهای چپ نما های آمریکایی نشوند و تن به اعتبار و کم کاری ندهند، زیرا اکنون زمانی است که بیش از هر زمان دیگر به کار و کوشش نیازمندیم."

نظر چند تن از آن ها را راجع به این مسئله که بعضی ها می گویند "گروگان گیری" باعث این همه جنگ و خونریزی شده است و اگر ما "گروگان ها" را آزاد کنیم، آمریکا دست از تجاوزات خود بر می دارد، می پرسیم. می گویند:

"ما با این حرف ها مخالفیم. البته اینکه آمریکا از گروگان ها به عنوان بهانه ای برای جنگ با ایران سوء استفاده می کند، درست است. ولی این نظر که آمریکا با خاطر آزادی گروگان ها با ما می جنگد نادرست است، زیرا که مخالفت و دشمنی با انقلاب ایران از ماهیت تجار و کارکنان آمریکا است، نه به خاطر گروگان گیری."

کارگران مبارز ایران! در یک دست با ابزار کار و در دست دیگر با اسلحه، از میهن انقلابی دفاع کنید!

گفتگوی مجاهدین

بی توجهی به دام از پیش گسترده شده امپریالیست‌ها و مرجعین محلی است، دمی که گرفتار شدن در آن فقط نتواند به حال انقلاب سودمند باشد.

۳- برای حاتم دادن به بحران موجود و به خاطر مطالبی که فوق ذکر شد، از جریک‌های فدائی می‌خواهیم که برای ایبات حسنیت خود و تأیید عقلی مجدداً بیانیه‌هایی که ناکنون مبنی بر تکذیب دخالت خود در درگیری و نقض آتش‌بس صادر نموده‌اند، موقتاً هم که شده، تمام فعالیت‌های سازمان و اعضا آن را در گنبد متوقف کرده... و مانع هر فعالیتی به نام فدائی گردند. این مطلب می‌تواند به مناطق دیگری که در آنجا نیز هم سوءاستفاده امپریالیست‌ها و ایادی ارجاع و ضد انقلاب می‌رود، تعمیم یابد.

بدیهی است که اقتناع عناصر وابسته و هوادار سازمان فدائی به این مطلب کار بسیار سنگینی است. لیکن مرکزیت سازمان جریک‌های فدائی خلق بایستی بتواند با تفهیم خطری بودن وضعیت، آن‌ها را بر این مهم قانع کند. بخصوص که سازمان بعداً می‌تواند بلافاصله مشکلات و خواسته‌های نمودارگان خود را به ترتیب مقتضی با نمایندگان حضرت آیت‌الله خمینی یا حضرت آیت‌الله طالقانی و دولت آقای مهندس بازرگان در میان گذاشته و تحت توجهات ایشان، از نامی و تضمین‌های سیاسی لازم در جهت استفاده از حق حیات سیاسی خود برخوردار گردد.

عبارت آن‌ها که مربوط به امپریالیستی "سازمان مجاهدین خلق ایران" است "توجهات دولت آقای مهندس بازرگان" برای حل مشکل خود است (که محورهای اساسی آن مسئله ارضی بود، و آقای مهندس بازرگان و وزیر کشاورزی اسان، محمد علی ایزدی، سرک مالک کار سردار، محافل جدی حل آن بودند و هستند) تمام مطالب بالا، که سوسده‌ای "رهبری سازمان مجاهدین خلق ایران" است، مورد تأیید ما بود و امروز هم هست.

مقایسه وضع در فروردین ۱۳۵۸ و اکنون

این مقایسه به روسی می‌تواند ساختار این ماسه که چه عناصری از سروهای درگیر در میدان سلس ایران عصر کرده و چه عناصری غیر کرده و حب این عصرکدام بوده است؟

۱- امپریالیسم و ضدانقلاب

در فروردین ۵۸، همان‌طور که پدرسی در بیانیه "سازمان مجاهدین خلق ایران" گفته شده، مرکز سروهای انقلاب و ضد انقلاب به این صورت بود که: امپریالیست‌ها و واسطه‌های ساواکی و مردوران ساواکی مسلح سرورس و ماساد و واسکان‌یه ریم سرگون شده آریامیری و ارجساء داخلی، که در حومه گنبد در قیامه ریم‌داران سرگ برگی حلی می‌گفتند، جنبه ضد-انقلاب را سبکی می‌دادند، و طیف عظیم سروهای که زیر رهبری امام خمینی، در براداحتی ریم اسنادی و سلط امپریالیستی سرگ داشتند، در حبه انقلاب حاکم بودند. ضد انقلاب در آنجا که هور ساگانه اقتصادی‌اس را نگهداشه بود، ماند مالک سرگاری‌سی کوس می‌کرد تا حک و دستان از اس ساگانه اسنادی کند و ارباد هر حادثی را روگردان سود، برای این‌که ساواکی برای درهم کس انقلاب آماده سازد امپریالیسم آمریکا می‌گوشد که آن مقدار ار مواضع خود را، که هور از دست داده بود، گدازد و با پول به هرگونه نوشته ای مواضع از دست‌رفته را به دست آورد. ساواکی‌ها و بزرگ‌مالکان و کلان‌برنامه‌داران و افسران و کارمندان وابسه سه ریم آریامیری هم فعاله در این حبه سرگ داشتند.

این عناصر امروز هم تا تمام فوج خود باقی هستند و مسلماً رهبری "سازمان مجاهدین خلق ایران" جزئی نخواهد کرد که وجود و فعالیت این ضد انقلاب را، که اکنون به مراتب سبب به ماه‌های اول اس از انقلاب، هارس و حوسور شده و حدین نوشته سکت حوره سسار گذاشته هم اکنون روز و ست در مدارک نوشته‌حده است، برود کند. گرچه در روزنامه "مجاهد" و اعلامیه‌های "سازمان مجاهدین خلق ایران" مدت‌ها است که از این ضد-انقلاب دیگر بادی نمی‌شود، و اگر هم بادی

این پدیده‌های اجتماعی معلول یک رشه عوامل مشخص است که ما از ذکر آن در این گفتگو خودداری می‌کنیم اگر دوستان مجاهد ما، که حیلی از شهامت اعلامی خودشان دم می‌رسد، این شهامت "سار سار" را از خود مرو می‌داند و حاضر می‌شوند در یک گفتگوی بدون محاشی و افترا (از سوی آن‌ها) شرکت کنند و سپس این گفتگو عیبا نت و با توافق مشسر شود، آروقت ما می‌واسیم، با معصل بیشتر، بی‌مایگی و بی‌بایگی این‌گونه "اسدلال" اران، راستان دهیم.

«سازمان مجاهدین خلق ایران» در کجای میدان نبرد قرار گرفته است؟

پیش از آغاز این بحث، می‌خواهم از فرهنگ مردمی خودمان و از حصره حبه‌های انقلاب دو نکته را یادآوری کنم. در فرهنگ مردمی ما همیشه سرکار می‌شود: "بگو دوست کیست، تا بگویم کیستی؟" از تاریخ حربه حبه‌های انقلاب هم، گفته‌ای که از اگوست بیل، رهسر عالی‌قدر حسی کارگری آلمان در مرس بورد هم نقل شده، سار گویا و آورده است. این گفته صدها بار در دوران مبارزات سروهای انقلابی یا سروهای مدعی انقلابی بودن، سرکار شده، ولی یادآوری آن بار هم حا دارد. حبس گفته شده است که: بیل در پارلمان به ماسی طن می‌کرد. در جای معسی از طوطی، سانسگاران دست راستی برای بیل گفت: بیل یا حودس، ولی با صدای بلند گفت: ای سر حرف! چه دسه گلی به‌آت داده‌ای که این‌ها برایس کف می‌رسد!؟

حال حا دارد سرسیم، رهبران مجاهد خلق! چه دسه گلی به آب داده‌اند که حبه امپریالیست‌ها و ضد انقلاب داخلی، از بحمار و اوسی گزده تا "خلق مسلمایی‌ها" و کلان سرمام داران و برک مالکان و لبرال‌های کارت سردار بران کف می‌رسد.

حال حا دارد سرسیم: دوستان مجاهد! چه کرده‌اید و چه می‌کشد که از بیای‌هایان با ارزیابی‌های رادو بحسار و اوسی عیبا بکی در می‌آید؟ برای سان داد سرسیری که در موضع‌گیری‌ها و ارزیابی‌های "مجاهدین خلق" پیدا شده، سبها به آوردن حظه‌هایی از یک سد خود "سازمان مجاهدین خلق" بسده می‌کس:

"سازمان مجاهدین خلق ایران"، در بسم فروردین ۱۳۵۸، یعنی حد ماه پس از پیروزی انقلاب، سبب‌های در باره حوادث گنبد و گردسان مشسر ساجب، که در آن‌جا حسی گنه شده است:

امپریالیسم غدار جهانی به رهبری آمریکا و بقایای ریشه‌کن ناسده ضد انقلاب، به هر ترتیب خواهند کوسید تا در میهن ما، به انحاء طریق و بهویزه از طرق به‌جان هم انداختن نیروهای مختلف و ایجاد تفرقه در درون نیروهای خلق، آب رفته را به سکل دیگری به جوی بازگردانند. به این ترتیب، هنوز قیام مردمی روزهای بیمن‌ماه گذشته آغاز نشده بود که ما اعلام نمودیم که در آینده، دشمن خارجی به اعتبار عوامل درونی وارد عمل خواهد شد.

اکنون این پیش‌بینی دقیقاً به وقوع پیوسته و هر روز نیز ابعاد اسفبار آن گسترش می‌یابد. دشمن استعدادی که به آنکه پایگاه‌های واژگون‌نشده ضد انقلابی و ارتجاعی‌اش و به آنکه انبوهی از مزدوران سیا و ساواک، دقیقاً گوش بزنگ نستسه و همان‌طور که از پیش هسدار می‌دادیم، یک آن نیز از طرح نوشته غافل نیست.

در این بیانیه سر آمده است: "بدرستی دشمنان انقلاب ایران به این سادگی دست‌بردار نیستند. یکی از بارزترین خصوصیات و نحوه‌های عمل امپریالیست‌ها و مرتجعین، بهره‌برداری هرچه سریع‌تر و کامل‌تر از نارسایی‌ها و اشتباهات و برخورد-های غیر اصولی و حتی حساسیت‌های نیروهای مختلف و اختلافات آن‌ها با یکدیگر است."

در ادامه این ارزیابی سار درس، که امروز هم صددرصد به‌فوت خود باقی است، در بیانیه طر عمل "سازمان جریک‌های فدائی خلق" در گنبد و گردستان مورد اسفاد صحیح قرار گرفته و گفته شده است:

"۱- آنچه به جریک‌های فدایی خلق مربوط می‌شود، درگیری و نحوه فعالیت نایجای آنان در منطقه است، که بی‌تردید به دلیل عواقب سیاسی سوء آن، حاکی از اشتباهات جدی در نحوه برخورد و ارزیابی موقعیت سیاسی - اجتماعی موجود و خلاصه

نمی‌کردیم. ولی از مبارزه دلیرانه قهرمانان مبارز آن همیشه سانس کرده‌ایم. این به‌جای خود محفوظ ولی ادعای رهبری "سازمان مجاهدین خلق ایران" در این زمینه که: چون سبنانگاران "سازمان" در مبارزه علیه امپریالیسم و استبداد فهرانانه جان سرده‌اند، پس این "سازمان" هرگز از راه آن‌ها منحرف نخواهد شد، اسدلالی مکل یوج و بی-پایه است.

تاریخ معاصر، با نمونه‌هایی در سطح جهانی، خلاف این ادعا را نشان می‌دهد. رهبری حزب کمونیست چین را مورد بررسی قرار دهیم: اکثریت افراد این رهبری، که امروز در منقلب سازش با امپریالیسم جهانخوار آمریکا و هم‌دسان اروپایی و زبانی‌اش، در منقلب خیانت به انقلاب محرومان جهان فرو رفته‌اند، خودشان ده‌ها سال در مبارزات انقلابی حوسین علم امپریالیست‌های ژاپسی، آمریکا و اروپای غربی و ارتجاع داخلی خود، یعنی امانل محمدرضا و اوسی و ازاری جینی شرکت فعال داشته‌اند. موه این خیانت تاریخی در سبزاریار کشورهای "جهان سوم" نیز دیده‌شود. از جمله سودان، سومالی، مصر و... نمونه‌های بارز این پدیده هستند. در کشورهای سرمایه‌داری امپریالیستی هم این پدیده مدت‌ها پیش به‌طور وسیع بروز کرد. بسیاری از رهبران احزاب خاشی سوسال دموکرات و سوسیالیست، روری در گذشته، در مواضع انقلابی قرار داشتند و "مارزاسی" را در صفوف خود پیروانند، ولی امروز، در عین این‌که "نام" خود را نگه داشته‌اند و معادری از کلیات دهان برکن برامه "سوسیالیستی" را با خود همراه می‌کشد، ولی در عمل به جاروکش و چاده صافکن احصارهای امپریالیستی مبدل گردیده‌اند.

پس "گذشته بر افتخار" و "برنامه مترقی بر طمطراق" و "ادعاهای بر آب و رنگ" هیچ‌کدام به‌طور مجرد تعیین‌کننده ارزش واقعی عمل جریک‌های یک سازمان سیاسی نمی‌تواند باشد. تنها در صورتی که عمل روزیک سازمان سیاسی در جاروجوب آن گذشته بر افتخار و برنامه مترقی باشد، این عوامل ارزش پیدا می‌کنند. می‌آیم که رستم بود پهلوان! تنها برای گول زدن افراد کم‌آگاه و ناآگاه بدرود می‌خورد، همان‌طور که لجی‌براککی و قحاشی نیست به استنادکنندگان.

مطلب دیگری را که رهبری "سازمان مجاهدین خلق ایران" برای درستی موضع‌گیری خود به تکرار بیان می‌کند، این است که: حون در این دوران "سازمان مجاهدین خلق ایران" رشد کرده، پس سیاست آن درست بوده است. این استدلال هم از ریشه نادرست است و تنها برای افراد کم‌آگاه و ناآگاه ساخته شده است. دو مثال:

در همین میهن انقلابی خودمان، تردیدی نمی‌توان کرد که پس از پیروزی انقلاب، در نتیجه روید درگیری مبارزات طبقاتی، قشرهایی از آن نیروهایی که در مبارزه علیه "استبداد" شرکت داشتند، از تعمیق انقلاب ناراضی شده و به تدریج به اردوگاه ضد انقلاب پیوسته‌اند. به این ترتیب، پس از پیروزی انقلاب و در جریان عمیق‌تر شدن انقلاب، پایگاه طبقاتی امپریالیسم و ضد انقلاب پیورده آن گسترش پیدا کرده است. آیا این دلیل درستی سیاست این سروها و حقانیت آن‌هاست؟! تجربه دردناک انقلاب شیلی هم چنین سبده‌ای را نشان می‌دهد. پس از پیروزی جنبه نیروهای انقلابی، ضد انقلاب و گروه‌های مائوئیستی که، با شعار-های مافوق انقلابی، به موازات امپریالیسم و ضد انقلاب داخلی عمل می‌کردند، نواسند از مشکلات ساسی از ناطقه‌های اقتصادی امپریالیسم و سرمایه‌داری داخلی بهره‌گیری کنند و قشر قابل ملاحظه‌ای از نیروهای بنیادین راه خود جلب کنند و حتی بخشی از طبقه کارگر را گمراه‌سازد و علیه دولت انقلابی آئینده به اعتصاب بکشد. می‌باید که حتی گمراهی بخشی از طبقه کارگر دلیل عدم حقانیت دولت انقلابی آئینده و دلیل حقانیت "جپ" - گرایان و ضد انقلاب نیست. در آن زمان، جب‌گرایان شیلی هم به خود می‌بالیدند و رشد کمی طرفداران خود را دلیل بر درستی راه ماجرا حویانه و ضد انقلابی خود بیان می‌کردند.

تجربه تاریخی حزب توده ایران هم شاهد چنین پدیده‌ای است: در سال‌های ۱۳۲۹ تا ۱۳۳۱، با این‌که سیاست حزب ما بر پایه ارزیابی و شناخت نادرست از سیاست دکتر مصدق و حش مردمی در راه ملی‌کردن ذخایر و صایع نفت، سمت-گیری نادرستی داشت، ولی رسد کمی صفوف حزب ما کم سابعه بود.

سرانجام رهبری "سازمان مجاهدین خلق ایران" در شماره ۱۵۳ روزنامه مجاهد، مورخ ۹ دی‌ماه ۱۳۵۹، در مقاله‌ای تحت عنوان "جنبه متحد ارتجاع" (علیه مجاهدین خلق) موضع‌گیری نسبا روش خود را در حبه سیاست گونی ایران بیان کرد.

حزب توده ایران مدت‌ها بود - به ویژه پس از انتشار "جنبه‌های معروف این سازمان"، تا اصفا "انجمن‌های دانشجویان مسلمان دانشگاهها" علیه حزب توده ایران - که انتظار یک چنین موضع‌گیری را داشت. همان‌طور که شیوه همیشگی ما ست، ما مقابل به مثل نخواهیم کرد، ریسرا دست‌یازی به قحاشی و تمسیری، آن‌هم تکرار تمام لجی‌براککی‌های ساواک، راديو بختیار و راديو اوسی، کار گسائی است که در بحث سیاسی در مواضع صعیف و غیر قابل دفاع فرار می‌گیرند و سهامت بدین نظریات مسطقی را ندارند - البته در صورتی که خود به این جریانات وابستگی داشته و یا پیدا کرده باشند.

برای حزب توده ایران هنوز این فرص وجود دارد که "سازمان مجاهدین خلق ایران"، در مجموع خود، به آماج‌های کدسته خویش معقد و بآسد است. ما این آماج‌ها را این‌طور می‌بندیم:

ریشه‌کن کردن تسلط امپریالیسم جهانی، به سرگردگی امپریالیسم آمریکا، بر اداحتی اسدبلاد در همه اسواع و اشکالی، دگرگونی‌های سادی در نظام اقتصادی - اجتماعی در جهت بر اداحتی نظام برک‌مالکی و سرمایه‌داری غارتگره سود محرومان، یعنی در درجه اول رحمتکشان سپر و روستا، و سبترت اجتماعی، با سپره‌گیری از همه تجربیات گرانبهای سروهای سرفی جهان. البته این جملات از "سازمان مجاهدین خلق ایران" نیست، ولی بیگات فوق، به نظر ما، بازتاب نسبا دقیق برنامه سیاسی-اجتماعی این سازمان است. حزب توده ایران هنوز بر آن است که اکثریت اعضا و هواداران "سازمان مجاهدین خلق ایران" - تا این‌که اسدافات سیاسی این "سازمان" مدتها است که عملا دیگر از جهت نامی شرایط برای رسیدن به این آماج‌ها سبب - به اعتقادات گذشته خودمان هستند. امید صمیمانه ما این است که هرگز محبور نشویم در این فرض جدید نظر کنیم. ولی با کمال تاسف، آن‌چه اکنون شاهدش هستیم - اگر به همین روال ادامه و گسرر یابد - جای زیادی برای "امید ما" و سایر دوستان واقعی "مجاهدین خلق" باقی نمی‌گذارد.

ادعاهای واقعیتهای

در پاسخ به استقاداتی که از طرف حزب ما به موضع‌گیری‌ها و اقدامات عملی "سازمان مجاهدین خلق ایران" به عمل آمد، به بیانات اساسی بر از فحش و افترا، این "سوال" هم از طرف رهبری "سازمان" مطرح گردید که: چگونه افرادی و سازمان‌های "معلوم‌الحالی" جرئت می‌کنند به "سازمان مجاهدین خلق ایران" ایراد بکنند و سهدا دهند که از مبارزه اصیل ضد امپریالیستی روگردان شده است، همان سارمائی کدهر دوران اختان، با ه‌گذرانس به آن‌گونه دلیرانه با به میدان مبارزه علیه امپریالیسم و اسدبلاد نهادند؟

فحش‌ها و اسراها را در پاکت می‌گذاریم و پایگای می‌کنیم، تا روری در مقابل‌جهره‌های خجلیت‌زده فرستادگان قرار دهیم. ولی این "سوال" را مورد بحث قرار می‌دهیم: اسراراب حزب توده ایران و گفتارهای راديو بیگ ایران سهدا می‌دهند که برخورد حزب ما تا "سازمان مجاهدین خلق ایران" از همان آغاز فعالیت سیاسی این "سازمان" تا امروز، تا حه حد درسد بوده است. حرب ما این جریان را، از همان اولین لحظه آشنایی ما موجودیتش، با سطر مثبت ارزیابی کرد، با این‌که سا شیوه عملی در مبارزه برای رسیدن به هدف‌های انقلاب ضد امپریالیستی و مردمی ایران مواقی سود، اولین ساه سرگشاده کمیته مرکزی حزب توده ایران به "سازمان مجاهدین خلق ایران" بهترین گواه برخورد اصولی و انقلابی حرب ما است. برخورد محکوم‌کننده حرب ما با ناطقه مائوئیستی حقانیتی که از ست به "سازمان مجاهدین خلق ایران" حجر رسد و در حقیقت آن "سازمان" را به سلاسی کشاند، درست در همس جارجوب بود. تاریخچه فعالیت سارما "بیگار" در دوران انقلاب، که امروز دوباره به "متحد ساره یک" "سازمان مجاهدین خلق ایران" بدل گردیده است، به خوبی ارزیابی ما را تأیید کرد. به‌مهرحال، ما با این‌که شیوه عمل "سازمان مجاهدین خلق ایران" را تأیید

سازمان خلق ایران

سازمانهای امپریالیسم را خنثی ساختن و در جریان این مبارزه عمده و اصلی، با صفهای درونی "جبهه انقلاب"، یعنی احضارطلبیها، نارساییها، کمبودها و اشتباهات، با ناطقیت مبارزه کرد؟ چرا، می شود! ولی برای این کار باید در مواضع "سازمان مجاهدین خلق ایران" در هر دو ماه ۵۸ باقی ماند!

۳- تصحیح در موضعگیری «سازمان چریکهای فدائی خلق ایران»

سومین تعبیر مهمی که در مواضع عناصر نامبرده شده در "بیانیه" فروردین ۵۸ "سازمان مجاهدین خلق ایران" به وقوع پیوسته، تصحیحی است که در آرزوهایها و شناخت و عمل "سازمان چریکهای فدائی خلق ایران" روی داده است. همان طور که "مجاهدین خلق"، در فروردین ۵۸، پیشبینی می کردند، این کار آسانی نبود. راه پر زنج یکسال و نیم گذشته لازم بود تا اکثریت سازمان چریکهای فدائی خلق ایران" از آن مواضعی که "سازمان مجاهدین خلق" آنروز نادرست می دانستند، به مواضعی که "مجاهدین خلق" آنروز درست می دانستند، تغییر مکان دهند. ولی وقتی "اکثریت سازمان چریکهای فدائی خلق ایران" این توصیه های درست و برادرانه "سازمان مجاهدین خلق ایران" را عملی ساختند، با کمال تأسف مشاهده کردند که در این فاصله، توصیه کنندگان جا را خالی کرده و بی کم و زیاد به همان مواضعی تغییر مکان داده اند. "چریکهای فدائی" در فروردین ۵۸ در آن قرار داشتند!

آنروز "مجاهدین خلق" به "چریک های فدائی" توصیه می کردند که از سازه سلحشاه علیه جمهوری اسلامی دست بردارید و مشکلات و خواستهای دمکراتیک خود را به ترتیب مقتضی با نمایندگان حضرت آیت الله خمینی... در میان بگذارید و تحت توجهات ایشان از تائبیها و تضمینات سیاسی لازم در جهت استفاده از حق حیات سیاسی خود برخوردار گردید.

در شماره ۱۰۲ روبراه "مجاهد"، همان توصیه کنندگان، که در یکسال و نیم گذشته ۱۸۰ درجه تغییر جهت داده اند، از این توصیه سوئدگان، که این توصیه را عملی ساخته اند، به صورت زیر یاد می کنند: "در مورد خوش نام ترین جریان چریکهای فدائی، جبهه نیز، گذشته از جنب و راست زندانها و چرخشهای وحشتناک، داستان معامله های نسیاهش برای خریدن آزادی، چندان وجههای برایش باقی نگذاشته است." برعکس، گروهکهای ماجراجو ماند "پیکار"، "سرف دهقانی"، "راه کارگر" و "رزمندگان"، که عملکردهای آسای پیروزی انقلاب، آگاهانه و یا ناآگاهانه، در جهت نفعهای ضد انقلاب بوده، امروز به صورت سندن اصلی "سازمان مجاهدین خلق ایران" درآمده اند.

۴- خط ضد امپریالیستی و مردمی امام خمینی

عصر دیگری که در "بیانیه" فروردین ۵۸ "سازمان مجاهدین خلق ایران" یاد آوری شده، موضعگیری امام خمینی است. در آن تاریخ "مجاهدین خلق" ایس موضعگیری را با موضعگیری امپریالیستی و مردمی خود آنچنان مستقیم می دانست که به "چریکهای فدائی" توصیه می کردند که، دست از سبوههای ماجراجویانه بردارند و به جبهه انقلاب بارگردند و، تحت توجهات "حضرت آیت الله خمینی"، از نایبهای سیاسی برای استفاده از حق حیات سیاسی برخوردار شوند.

حال این پرستی مطرح می شود که: به نظر رهبری "سازمان مجاهدین خلق ایران"، چه تغییر محسوسی در موضعگیریهای ضد امپریالیستی و مردمی امام خمینی پیدا شده، که سببایی از آن، به پشتیبانی از "ارتجاع" بدل شده است؟ آیا شما شهامت آنرا دارید که، بدون توسل به سارا و توهین و اتهام، که ما به اندازه کافی از ضد انقلاب هر روز دریافت می کنیم، پاسخ این پرسش ساده و روشن را بدهید؟ آیا کینه روزافزون امپریالیسم آمریکا و ضد انقلاب پروردهای با امام خمینی، بوطقه های بی گبر و لاسطع این سرروهای جسمی، حتی برای سوئقصد به جان

رهبر انقلاب و میان گذار جمهوری اسلامی ایران، نشان دهنده این واقعیت نیست که دشمنان انقلاب ایران، همان دشمنانی که، "سازمان مجاهدین خلق ایران"، "سنگاری" و "ها" و همه گروهکهای آمریکایی - چینی مدعی "مارکسیسم" را، جز "دخیره مستقیم و یا احتمالی خود به حساب می گذارند، امام خمینی را بزرگترین و آشتی ناپذیرترین دشمن خود ارزیابی می کنند؟

شما سلما رهنمود کارتر - به وسیله برزیلسکی - به وزارت خارجه آمریکا را فراموش نکرده اید و سلما برایتان دشوار است که ادعا کنید که این رهنمود دیگر به قوت خود باقی نیست. کارتر به وسیله برزیلسکی به وزارت خارجه آمریکا، که مأمور اجرای توطئه براندازی نظام جمهوری اسلامی به رهبری امام خمینی است، این طور توصیه می کند:

"با توجه به قابل پیش بینی نبودن حوادث و تحولات آینده در ایران، الزاما مهم است که آمریکا با تمامی رهبران اقلیت های نژادی و مذهبی و گروه های افراطی، که قادرند مقاومت های مسلحانه علیه رژیم خمینی را تحریک کنند، تماس های بفرار کند.

آیا به نظر رهبری "سازمان مجاهدین خلق ایران"، در سیاست آمریکا نسبت به امام خمینی و هواداران و پشتیبانان انسان تعبیری پیدا شده؟ و آیا عمل آن گروه های که، یا از ماهها پیش مقاومت های مسلحانه علیه "رژیم خمینی" به راه انداخته اند و یادر تدارک به راه انداختن چنین مقاومتها و نوطقه های هستند، مستقیما در جهت سیاست آمریکا نیست؟

به این ترتیب بیسیم که، در این زمینه هم رهبری "سازمان مجاهدین خلق ایران" است که تغییر موضع داده و به اردویی پیوسته است که هدفش برانداختن "رژیم خمینی" است، ریسمی که، به نظر "سازمان مجاهدین خلق ایران" روزی همه انقلابی ها باید در زیر توجهاتش فعالیت کنند، و امروز به عنوان "رزم واپس مانده خرد بورژوازی سنتی" ارزیابی می شود. (آن قدر که می توان به خاطر آورد، این اصطلاح هم از مارکسیست های آمریکایی به عاریه گرفته شده است.)

مقاله "جبهه متحد ارتجاع" با جمله زیر پایان می برد:

"بدون شک این مدیحه سرانی (مقصد سیاست پشتیبانی حزب توده ایران و سازمان های سیاسی دیگر از خط امام خمینی) هر قدر هم به الفاظ و عبارات رنگ و وارنگ و جنب نمایانه آراسته شود، هرگز واپس ماندگی تاریخی خرد بورژوازی و راست گرا و سنتی (و آغشته به مشابهت های غلیظ فتوایی) را تغییر نخواهد داد و تنها مجیزگویان را به همان سرانجام اربابان قدرت، یعنی لعنت محتوم تاریخ گرفتار خواهد کرد.

به نظر ما، این جمله خود داستان بدون شرح است و سام موضعگیری جدید رهبری "سازمان مجاهدین خلق ایران" را به طور بارزی مشخص می سازد، و آن این است:

رژیم کونی "سازمان مجاهدین خلق ایران" سندی روستایی است، که تاریخ آنرا محکوم کرده است. در نتیجه، در نظر ایس "انقلابیون"، هر سررویی که در جهت برانداختن این رژیم، یعنی در جهت سریع "حکم تاریخ" باشد، بالقوه دارای محوی "مترقی" است و باید آن پشتیبانی کرد! در نتیجه، توطئه های امپریالیسم آمریکا و ضد انقلاب پروردهای و لیبرالها و مائوئیست ها و سرمایه داران وابسته و بزرگ مالکان، برای درهم کنن این رژیم واپس گرای محکوم، در نظر "مجاهدین خلق"، بالقوه "مترقی" است! سنی باید با خلق سررویی که آماده براندازی این رژیم واپس گرای محکوم" باشد، همکاری کرد! آیا این عسا توصیه برزیلسکی از آب در می آید!؟

«جبهه متحد نیروهای انقلابی» از دیدگاه رهبری «سازمان مجاهدین خلق ایران»

رهبری "سازمان مجاهدین خلق ایران" در تحلیل خود، در شماره ۱۰۲ روبراه "مجاهد"، "جبهه متحد ارتجاع" را در مرحله کونی نرد انقلابی در ایران، مشخص ساخته و عناصر عمده تشکیل دهنده این جبهه، یعنی "حزب توده ایران، حزب جمهوری اسلامی، جنبش مسلمانان مبارز و سازمان چریکهای فدائی خلق (اکثریت)" را معرفی کرده و سمتگیری عمده سیاسی این "جبهه" را "گه گذاری رژیم واپس مانده خرد بورژوازی روستایی" است، نشان داده است!

ولی ما مجبوریم یادآوری کنیم، که متأسفانه در این "کشف" هم "مجاهدین خلق" ابتکاری به خرج ندادند و تنها از زرادخانه رادیوهای ضد انقلاب چیزی را به عاریه گرفتند. به این گفتار "رادیو پختیار"، در روز ۱۶ آذر ۵۹، توجه کنیم:

"آخوندیسم و توده ایسم از یک آبشخور آب می خورند و سر یک ازدها و دو اسب یک درشکه به شمار می آیند، که همان اتحاد سرخ و سیاه... است." ملاحظه می کنید که، با کمی تغییر، صحبت از همان "جبهه متحد ارتجاع" سرخ و سیاه است!

حیرت انگیز و تأسف آور است که چگونه ارزیابی سازمانی که خود را "انقلابی ترین نیروی جامعه ما معرفی می کند، با ارزیابی کهنه توزترین دشمنان انقلاب ایران یکی از آب در می آید!؟

آیا این شباهت کافی نیست که "مجاهدین خلق" را کمی به اندیشیدن وادارد؟ جقدر به جا بود، اثر به موازات این "کشف بزرگاریخی"، دوستان مجاهد، عناصر، برآمده و سمتگیری سیاسی "جبهه متحد نیروهای انقلابی" را هم معرفی می کردند و به موازات این معرفی، موضعگیری نیروهای اصلی دشمن انقلاب ایران، یعنی امپریالیسم، ماسکرگنکی امپریالیسم آمریکا، صهیونیسم، ارتجاع منطقه، ضد انقلاب داخلی و بلندگویان آن را، نسبت به این دو جبهه، با سند و مدرک نشان می دادند.

از آن جا که "مجاهدین خلق" خواستند یا نتوانستند ما را از این تحلیل ضروری بهره مند سازند، ما مجبوریم که با شوه تحلیلی خودمان، نتیجه گیری های لازم را بکنیم:

این درست است که سازمان هایی که در "جبهه متحد ارتجاع" جا داده شده اند، ضمن داشتن اختلافات عمده در زمینه جهان بیسی، در زمینه دگرگونی های ضروری بسادی برای تثبیت و تحکیم و گسترش انقلاب ضد امپریالیستی و مردمی، در زمینه شیوه بسپرد این انقلاب، در زمینه کلی ترین مسائل روز صحه سیاست سپهرمان، سمتگیری واحدی دارند و با تمام نیرو برای نگهداری جمهوری اسلامی ایران - با همه کمبودها و نارسایی ها و ضعف هایس - در مقابل توطئه های رورافزون امپریالیسم، ضد انقلاب پروردهای، سرگمالکان و کلان سرمایه داران و همچنین سرمایه داران لیبرال، یعنی همان هایی که "سه مار ۹ بار علق" کردند که در انقلاب شرکت کردند، مبارزه می کنند.

به این ترتیب، آن چه که از نظر رهبری "سازمان مجاهدین خلق ایران" عامل تشکیل "جبهه متحد ارتجاع" است، همین "وجه مشترک" می باشد، نه "وجه اختلاف". بی "جبهه متحد نیروهای انقلابی"، از نظر "سازمان مجاهدین خلق ایران"، از همه آن نیروهایی تشکیل می شود که با این "جبهه متحد ارتجاع" در ستیزند و شامروزر تلاش می کنند که این "جبهه" را بهرانو در آورند. این نیروها کدامند؟ امپریالیسم و صهیونیسم، ماسکرگنکی امپریالیسم آمریکا، و ارتجاع منطقه، یعنی ساداتها، ضیاء الحقها، صدامها، قلوبسها، خالدعا، ساه حسینها و همپالکسها - هایسان! امیدواریم "مجاهدین خلق"، در این که همه این سرروها درصدد برانداختن همین رژیم واپس مانده "جمهوری اسلامی" هستند، بسواد نردی کنند.

صد انقلاب ایران، یعنی مزدوران سا و ایستلجنس سرویس وموساد و ساوکی ها و نارمادهای رژیم آسامهری و بزرگ مالکان و کلان سرمایه داران وابسته، بخشی در ایران و جسی در خارج، سب روز در حال توطئه برای براندازی همین رژیم واپس مانده خرد بورژوازی روستایی هستند و می بسود که به جای آن، رژیم "خلی مترقی" کلان سرمایه داری وابسته "خلی نسری" را جاستین سازند. رادیو های داوردسته خادان سرگون نسده" پهلو، بختیار و اویمی ساهد این مدعا هستند. با نتیجه گیری از تحلیل "سازمان مجاهدین خلق ایران"، باید این سرروها را هم در "جبهه متحد نیروهای انقلابی" به حساب گذاشت و، از آن جا که هیچ گونه اساره ای در روزنامه "مجاهد" به این سرروها نشده، نابه های این فرص قوی تر می گردد.

گروه چهارمی که در این "جبهه" جا می گیرد، تمام آن گروهک های ماجراجو و یا ستون نجم امپریالیسم هستند، که همه در جهت براندازی "رژیم واپس گرای" کونی عمل می کنند. مانند: "گروه پیکار"، که روزی "دشمن شماره یک" "سازمان مجاهدین خلق ایران" بود و امروز "مخمسارک آن" است. گروه

"کوله"، گروه های منشعب از "سازمان چریکهای فدائی خلق ایران"، گروه "رنجبر"، که مستقیما در خدمت امپریالیسم آمریکا است (جالب توجه است که این گروه بدنام، پیش از همه گروه های دیگر برای "تحلیل" "سازمان مجاهدین خلق ایران" هورا کشید!) و سایر "ترجیه های بوک" شبه مائوئیستی و نیمه مائوئیستی و تروتسکیستی، که همه هم آواز برای "سازمان مجاهدین خلق ایران" کف می زنند. راستی که "سازمان مجاهدین خلق ایران"، با داشتن چنین "دوستانی"، دیگر کمترین احتیاجی به دشمن ندارد! گروه پنجم در "جبهه متحد ارتجاع" انقلابی!، که درصدد برانداختن "رژیم واپس گرای" جمهوری اسلامی است، طیف وسیع لیبرالها است. البته علائق رهبری "سازمان مجاهدین خلق ایران" به این گروه تازه نیست. همان ارزیابی که در "بیانیه" ۲۸ فروردین ۵۸، آر دولس "تام هگام" داده شده، این علائق را نشان می دهد:

واقفیت روبرو هم اینطور نشان می دهد که همه این سرروهای سیاه ضد انقلابی، سازنگار و تسلیم طلب، کمره و منخرط، در طیف وسیع توطئه براندازی رژیم جمهوری اسلامی ایران، جبهه واحدی را بوجود آورده اند. تنها این پرسش برای همه علائقدان به انقلاب ایران هر روز مطرح می شود که: "سازمان مجاهدین خلق ایران" در این طیف چه گم کرده است؟

دوستان مجاهد!

واقعا این سرستن برای ما همه سرروهایی که نگران انقلاب ایران هستند، مطرح است.

رهبری «سازمان مجاهدین خلق ایران» این موضعگیری را چگونه توجیه می کند؟

برای آن که پاسخی برای این پرسش پیدا کنیم، ما بارها و بارها به رهبری "سازمان مجاهدین خلق ایران" مراجعه کردیم و از آنها خواستیم که گفتگوی، در هر سراطی که آان خواستارشان باشند، باهم داشته باشیم. ولی متأسفانه توفیقی نیافتیم.

دوستان و هواداران حزب ما خود گفتگوی را با دوستان مجاهد حسجو کردند. ولی آنها نیز با دیواری ارامساع برخورد کردند، که بنا بر دستورالعمل "سازمان مجاهدین خلق ایران" به اعصا "سازمان" بوجود آمده است، سی بر این که از هرگونه بحث با توده های اجناس ورنزند.

ولی سرانجام، از راه مطالعه نشریات "مجاهدین خلق" و تماس های غیر مستقیم، ما توجیبی را درباره موضعگیری "سازمان مجاهدین خلق ایران" بدست آورده ایم که برایش تحلیل برین استوار است:

- ۱- حاکمیت کونی با نگر خواست های خرد بورژوازی سنتی و واس گرای حامعه است، که آغشته به تمایلات فتوایی است. (این ارزیابی عینا در پایان مقاله "جبهه متحد ارتجاع" آمده است.)
- ۲- این حاکمیت و طعه های که پایگاه آن است، سرنده هستند و محکم تاریخ محکوم به سرنگونی و نابودی اند. (این حکم هم در پایان مقاله نام برده آمده است.)

- ۳- هیئت حاکمه کوسی برای احصا از سرگون مدن، در جهت سارس سا امپریالیسم آمریکا تام یکدسه است. (اس ارزیابی مانند خط فرمی در سام تحلیل های "سازمان مجاهدین خلق ایران" دیده می شود.)

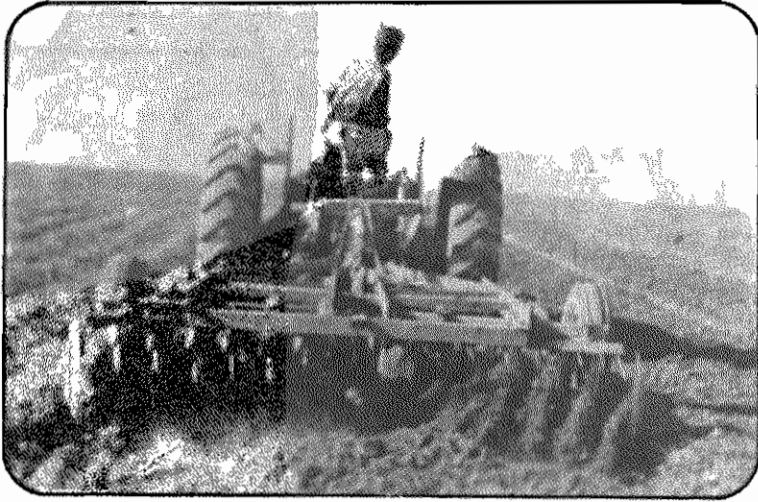
- ۴- آمریکا، که هوادار سرمایه داری در ایران است، حاضر به کنار آمدن با ایس رژیم نیست، زیرا سرمایه داری ایران سا حاکمیت کوسی مخالف است. به ایس جهت آمریکا در جهت سرنگون کردن حاکمیت کونی عمل می کند.

- ۵- جامعه به نیت رسیده و تنها راه نجات این است که "سازمان مجاهدین خلق ایران" قدرت حاکمه را به دست گیرد و برنامه اسلامی - توحیدی خود را بساده کند.

- ۶- "سازمان مجاهدین خلق ایران" از روند تصفیر رژیم حاکم کونی به وسیله لیبرالها و آمریکا و هر نیروی دیگر استقبال می کند.
- ۷- بشرومت این جبهه متحد به دو صورت می تواند پایان پذیرد:

حالت اول این است که: لیبرالها نقیه در صفحه ۶

دهقانان ترکمن صحران: ما حتماً پیروز خواهیم شد، چون حق با ما است.



کرایه تراکتور، سوخت و بدر گران است ولی به فرمان امام لیبیک گفته و علی‌رغم مشکلات هرچه بیشتر می‌کاریم تا محتاج بیگانگان نشویم. (بندر ترکمن)

"چون زمین هایم سند مالکیت نداشت، با استشهادهای محلی توانستم سوخت تهیه بکنم و برای اینکه بفهمان امام خمینی لیبیک گفته باشم، با مشکلات زیادی که داشتم، زمین را شخم زدم، والا با این گرانی بدر، کرایه تراکتور و... از این زمینهای دیم، درآمد چندانی نصیب نمی‌شود.

اواز دولت خواست که از حالا به فکر تهیه سوخت کمپان جهت جمع آوری محصول باشد. اومی گفت:

"این جنگ تحمیلی ضررهای زیادی بر ما زد، قیمت مایحتاج روزانه بطور سرسام آوری بالا رفت و با درآمد ناچیز سالانه ای که ما داریم، مشکل می‌توان این گرانی را تحمل کرد. البته ما اجازه نخواهیم داد که دشمن قدم به خاک ما بگذارد، ما حتماً پیروز خواهیم شد، چون حق با ما است. امیدوارم هر چه زودتر جنگ پایان یابد و اوضاع سروسامان پیدا کند."

بیشتر دهقانان ترکمن صحران مشکلات مشابه و خواستههای مشترکی

"هفتاد سال از عمرم را روی زمین کار کرده‌ام و با دست نخم دادم. هنوز هم توانائی کاستن دارم. اگر از بدر-باش اسفاده نکرده‌ام، اولاً اسفالت بعلت بارندگی زیاد کشت زمین بتاخیر افتاد، ثانیاً تعداد دستگاه بدرباش کم است و ثالثاً هزینه زیادی هم در بر دارد. بهمین جهت منتظر دستگاه نشدم. چون امام خمینی فرموده که هیچ زمینی بدون کشت نماند. ما هم فوراً دست بکار شده‌ایم. میدانیم هر چه قدر زحمت بیشتری بکشیم، محصول بیشتری بدست خواهیم آورد و محتاج بیگانگان نخواهیم شد."

در مورد نحوه تامین بدر و سوخت گفت:

"بدر را چندین برابر گرانتتر خریدیم. سوخت را هم در مقابل ارائه سند زمین می‌دهند و ما هم به تراکتورداران می‌دهیم، تا زمین‌هایمان را شخم بزنند."

دهقان دیگری که از دستگاه بدر-پاشی استفاده می‌کرد، از مشکلات کسود سوخت گلایه میکرد و می‌گفت:

دستمال اطلابه معامات مسئول وسپادهای اعلیای ترکمن صحران سسی برکت کلیه ریس های سرروعی، دهقانان این منطقه به تهیه درو کسود و سوخت و... برداختند و اریسمه اول آن کست پائیزه گندم موجود در منطقه ترکمن صحران شروع شد. در منطقه سدر ترکمن و کمیش دبه، تعریباتی ستر زمین‌ها برکت رفس، ولی بعلت بارندگی زیاد کشت با حیرانمات و تا اواسط آذر سر ادامه داس.

خرسکار دهقانی ما در ترکمن صحران، گزارشی از کار دهقانان تهیه کرده، که توجه شما را به آن جلب می‌کیم:

دهقان پیری به دریاسی با دست روی زمین مشغول بود، بمحض دیدن ماکارشی را قطع کرد و بگری ما احوال-برسی کرد. وقتی متوجه شد که ما برای تهیه گران و عکس آمده‌ایم، حوصله‌اش دو جودان شد. از او پرسیدیم که چرا قلازمین را آماده نگردای وارد دستگاه بدر پاشی برای کاشت استفاده نمی‌کند؟ گفت:

دارند. آنها از کمبود آب، بدر و کسود گله دارند و خواهان تشکیل شرکت‌های تعاونی برای تهیه آنها هستند. خود-

شان میگویند: اجرای طرح واگذاری زمین، که اسامال هم عملی نشد، بزرگترین خواست و نسیهای آنرویمان است.

گفتگو با...

بقیه از صفحه ۵

موفق شود قدرت حاکمه را از دست "خرده بورژوازی سستی و اسگرا" بدر آورد. در این صورت "سازمان مجاهدین خلق ایران" و دوستانش امکانات پردامنه‌ای برای فعالیت آزاد خواهند یافت و با استفاده از این آزادی، می‌تواند حاکمیت لیبرال‌ها را سرنگون سازد.

حالت دوم این است که: آمریکا و هوادارانش بر ایران مسلط شوند، یا این که آمریکا ایران را اسفال نظامی کند. در این صورت، ایران به ویتنام دیگری بدل خواهد شد و "سازمان مجاهدین خلق ایران"، که انقلابی ترس باران مشکل سیاسی در ایران است و آمادگی کامل برای مقابله با آمریکا را دارد، رهبری جنگ افسالسی را به دست خواهد گرفت.

این است آن توجیهی که ما، ارمجموعه تخصص خود، از تحلیل سیاسی "سازمان مجاهدین خلق ایران" عدست آورده‌ایم. عام فعالیت‌های سیاسی و تحلیل‌های علمی این "سازمان" هم تا بیدکننده این برداشت عمومی است.

رنامه همین تحلیل است که در انتشارات "سازمان مجاهدین خلق ایران" کمترین انتقادیست به عملکرد همه گروه‌ها و گروهک‌ها و نیروهایی که در جهت براندازی حاکمیت کسوی هستند. از صد انقلاب سازمان یافته و ساواکی‌ها گرفته تا لیبرال‌ها و سرمایه‌داران غارتگر "خلق مسلمانی" و "گارت سب‌دارها"، تا گروهک‌های آمریکا ساخته چپ‌ها مانند "بیکار" و "تکوله" و "رنجبر" و نظایر آنان، دیده نمی‌شود، زیرا همه این‌ها در تحلیل "سازمان مجاهدین خلق ایران"، ذخیره‌های مستقیم و غیرمستقیم برای نیل به هدف، یعنی براندازی حاکمیت کسوی به‌شمار می‌روند.

از آنجا که این تحلیل، در همه اجزایش، به‌طور رسمی از طرف "سازمان مجاهدین خلق ایران" اعلام نشده است، ما نمی‌توانیم آن را با این عنوان مورد بررسی قرار دهیم. ولی از آنجا که ما هنوز معتقدیم که "سازمان مجاهدین خلق ایران"، با اعتقاد به این که خط مشی سیاسی‌اش به‌سود انقلاب ضد امپریالیستی و مردمی ایران است، این خط مشی را دنبال می‌کند، به این نتیجه می‌رسیم که، تنها یک حسن تحلیلی و یا چیزی بسیار سردک به آن می‌تواند چنین خط می را توجیه کند. به‌علاوه، در میان هواداران "سازمان مجاهدین خلق ایران" این تحلیل مورد بحث و گفتگو است. پس

بر روی خود می‌کوشد که سلطه درین خوبس را در ایران برقرار کند و، به عنوان اولین گام، هدفش برانداحس همس حاکمیت کسوی - با همه ضعفها و کمبودهای آن است؟

دوستان مجاهد!

واقعاً دیدن این واقعیت دشوار است که: در صورت سکسه شدن آن سدی که امروز به‌وسیله همین نیروهای مقاوم در مقابل بارگست امپریالیسم، بوجود آمده است، چه خطر عظیمی نظیر ۲۸ مرداد و اندونزی و سیلی، افسال ایران را نهدید می‌کند؟

آیا سما واقعاً به این دل خوش کرده‌اید که در صورت سروری لیبرال‌ها و درهم یکس همس حاکمیت میکی به "خرده بورژوازی و اسگرای سسی"، لیبرال‌ها به سما و سایر نیروهای انقلابی "آزادی" خواهند داد که، حاکمیت آن‌ها را براندازند؟!

آیا واقعاً عقیده دارید که اگر "ساواکی" ها و مردوران "سیا"، که امروز با تمام سرو در جهت براندازی حاکمیت کسوی میکی به "خرده بورژوازی و اسگرای سسی" عمل می‌کنند، سما را تأیید می‌کنند و مظاهران را مورد ستیاسی قرار می‌دهند. برای اس اس که سما عدا همه آنان را سرکوب کند و نابود سازد؟! آیا این گونه برداشت، ناسی از کونه بیسی ساسی و ساده‌نگری نابخسودسی نیست؟

دوستان مجاهد!

اسفاد ما به ارباب‌ها و برداسهای سما به‌هیچ‌وجه به معنی آن نیست که خواهیم معائن، ضعفها، اسبابات، کمبودها و انحصارطلبی‌های حاکمیت کسوی را برده‌سوی کیم. ما همواره و سیکر این جنبه‌های معنی را مورد اسفاد حدی قرار داده‌ایم و می‌دهیم. ولی اختلاف نظر اساسی ما با سما این است که: ما این اسفادات را فقط در منس مازره عمده‌ای که خلق ما علیه امپریالیسم و صد افسال، و به‌ویژه علیه آمریکا و مردوراس احام می‌دهد، درس می‌دانیم، به ایس معنی که عمده‌ترین هدف اسفادات ما در جهت تقویت مبارزه علیه امپریالیسم سرکردگی امپریالیسم آمریکا، صد افسال داخلی و لیبرال‌های سازشکار و سلیم طلب است. به در جهت براندازی آن حاکمیتی که با همه معائن و ضعفها و اسبابات و کمبود-هایش - در این مبارزه درگیر است. ما گرسس آید افسال را در سمت‌گیری ضد امپریالیستی و مردمی‌اش، سها و تنها رمای ممکن می‌دانیم که صد افسال - یعنی همان کسای که شما در "بیبایه" خود "مردوران سیا و ساواکی‌ها" نام برده‌اید - سرکوب شده باشد و لیبرال‌هایی که برای نگه‌داری غارتگری خود با آنان مسحد شده‌اند مسعد شده‌باشند، به ار راه تلاش برای به حاکمیت رساندن لیبرال‌های متکی به "مردوران سیا و ساواکی‌ها".

از تجربه تاریخی انحراف رهبری حزب کمونیست چین پند بگیرد

جربه دردناک تاریخی انحراف رهبری حزب کمونیست چین برای همه نیروهای انقلابی جهان آموزش‌های بسیار گرانبهایی دربر دارد. در این تجربه می‌آموزیم که، رهبری حزب کمونیست چین، که اکثرشان همان کسانی بودند که ده‌ها سال در سرد زندگی و مرگ با دشمنان واقعی خلق کبیر چین و همه خلق‌های محروم جهان، یعنی امپریالیسم جهان‌خوار، شرکت داشتند، چگونه گام به گام مواضع انقلابی را ترک کردند و به سازش سکنی با همان دشمن گذشته‌سن در دادند و با این خرص، برگرسیس خیانت نارح را به حسن‌های مردمی و انقلابی جهان مرکب دسد.

بنیاد بساورییم که اسدا رهبری چین به‌هیچ‌وجه از سارس با امپریالیسم آمریکا و اروای غرنی و راس دم می‌زد، بلکه اولین گام انحراف، ربر شعار "امپریالیسم سرکعدی است، باید از حک اسمی سرسید و آن را درهم کوبید"، برداسسد. در این مرحله، مسرفین جیبی خود را "مافوق انقلابی" معرفی می‌کردند و ارسایر کموسس‌های جهان می‌خواستند که هرچه زودتر حک را علیه دیسای امپریالیستی آغاز کنند. آن‌ها کشورهای سوسیالیستی و هر سیروبی را که آماده پذیرش این شعار ماجراجویانه نبود، "سازشکار"، "روبرویست"، "ترسو"، "ابورنویست" و... نامیدند. ولی زمان و تاریخ، مساد همیشه، واقعیت را از زیر خروارها دروغ و تهمت و افترا بیرون کشید. رهبری چین تا حد سازش با امپریالیسم آمریکا و اروای عربی و زاس و صهیونیست‌های اسرائیل و زاده‌پرستان جنوب آفریقا و جلاذانی مانند پینوشه و خاشینی مساد سادات و ضیا‌الحق به بیش تاخت. ولی رهبری چین هنوز هم ادعا می‌کند که گویا نیروهایی که با قاطعیت و استواری تمام علیه ایس اردوگاه‌سازنگران و جنایت‌سهاگان درنبرد هستند، به محرومان جهان "خباست" می‌کند!

ما اسدواریم مبارزانی که در "سازمان مجاهدین خلق ایران" گرد آمده‌اند، دگرگوسی‌هایی را که در مواضع وسمت-گیری‌هایشان بوجود آمده است، بدون بسب‌داوری و با احساس مسئولیت تاریخی، مورد بررسی معادانه قرار دسد. حزب توده ایران یکبار دیگر پیشنهاد خود را نکرام می‌کند: حزب توده ایران آماده است زیر شرایطی که "سازمان مجاهدین خلق ایران" مناسب بداند، همه مسائل مورد اختلاف را با آن "سازمان" به بحث بگذارد و عیسن بحث، برای قضاوت، در اختیار افکار عمومی مردم ایران قرار داده شود.

کمیته مرکزی حزب توده ایران ۱۳۵۹/۱۰/۲۲

در جلسه علنی دیروز مجلس شورای اسلامی، که به ریاست حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی تشکیل شد، مهندس بهزاد نبوی وزیر مشاور در امور اجرائی، ضمن طرح لایحه مربوط به پذیرش حکمیت در ارتباط با دعاوی مالی ایران و آمریکا، تاکید کرد که: «مشکل ایران با آمریکا، با اشغال جاسوسخانه آمریکا شروع نشد و با دادن گروگانها هم ختم نخواهد شد. آمریکا هر چه از دستش برآید علیه انقلاب ما خواهد کرد».

در آغاز این جلسه کیاروش، به عنوان اولین ناطق پیش از دستور سخن گفت. وی ضمن اشاره به دلوریهای رزمندگان انقلاب در جبهه های جنوب و غرب، اظهار داشت:

«میخواهم پیامی به صدام بفرستم که اگر تصور می کند با حمله و تحمیل جنگ بر ما و یا به شهادت گرفتن بهترین گلهای ما، می تواند کوچکترین بردی در این جنگ داشته باشد و ارباب آمریکایی خود را راضی کند، این خیال خامی است. بین ما و صدام و صدامیان، در جبهه خارج و ستون پنجم در داخل... جز جنگ حاکمیتی وجود ندارد. تا زمانی که عزیزان ما حاضر باشند مبارزه کنند، این جنگ ادامه دارد».

کیاروش در قسمت دیگری از نطق خود، گفت: «ما این جنگ را نه از طریق مذاکره و سیاست، بلکه از طریق جنگ با صدام به پایان خواهیم رساند. راه دیگری نیست. شاهچراغی، دومین سخنران پیش از دستور گفت:

«در سفری که به خوزستان داشتم، مسائل مختلفی از پیروزیها و شور و شوقها و احیانا کمبودها را ناظر بودیم. حال می خواهم بپرسم که: آیا شورای عالی دفاع، که مسئولیت جنگ را برعهده دارد، هیچگاه بدنایال فتحها و شکستها به تحقیق نسته و مسائل را تحلیل کرده است، یا نه. آیا به فکر افتاده که بییند سربازان ندادار ما چرا دو ماه با امکانات محدود در سنگرها بسر بردند، بدون اینکه هیچ تحرکی در میدانها وجود داشته باشد؛ وجه عاملی است که باعث رکود است و می گوشت تا نتایج را محال جلوه دهد؛ اینها ناشی از ضعف فرماندهی بوده یا از اختلالگرها؛ چه کسانی اختلال کرده اند؛ چه عامل و عواملی منجر به شهادت بیش از ۱۰۰ پاسدار در هویزه و در همین حدود از سربازان رشید و خدمه تانکهای ما شده است؛ و اصولا اکنون در چه وضعی هستیم؛ بعد از پیروزی ۲۸ صفر، ما در چه وضعی هستیم؟ آیا به گزارشهای سپاه پاسداران توجه شده است؛ این گزارشهای ضد و نقیض از کجاست؟»

ناطق سپس تاکید کرد که باید به این مسائل توجه کرد و با توجه به ویژگی اوضاع و حساسیت وضع جهان و نقشه هایی که برای ما می کشند، مسئولین گزارش در این مورد تبیه کنند. او افزود: «سزاوار است که ما این مسائل را با امام در میان بگذاریم و از او رهنمود بگیریم. آیا درست است که در این شرایط همچنان روزنامه های صبح و عصر به روحانیت مبارز به بهانه های مختلف بتازند؟ و از آنجا که جمعه منسوب امام به عنوان «خطبه خوانانی که سخنانشان باعث تفرقه است»، یاد شود؟ آیا تضعیف دادگاههای انقلاب در این شرایط، با وجودی که می دانیم ضعفهایی دارند، تضعیف اقدامات انقلابی و اقدامهایی که باعث پشرفت انقلاب شده است؛ آیا هم صدایی با خانواده کسانی که از انقلاب ضربه خوردند، نیست؟»

ناطق در قسمت دیگری از سخنان خود گفت: «آیا سزاوار است که دانشجویان مسلمان پیرو خط امام از جناح های مختلف به طعن گرفته شوند و به آنها انگ های مختلف زده شود؛ چه دستهایی در کار است؟ آیا مانع اندگان مجلس هنوز به این نتیجه نرسیده ایم که نباید از این مسائل به آسانی گذشت؟ بخصوص در جبهه های جنگ و اینکه جنگ فرسایشی و رکود در جبهه ها باعث تقویت این اقدامات می شود؟»
یونس محمدی، سومین سخنران پیش از دستور بود، که در ارتباط با مسئله تعیین حدود اختیارات نمایندگان مجلس سخن گفت، و سپس از مسئولین امر خواست که به نطق های پیش از دستور توجه کنند.

طرح لایحه دوفوریتی در مورد «گروگانها»

پس از پایان سخنان پیش از دستور، لایحه دوفوریتی دولت در مورد اختلافاتی که در امور مالی بین ایران و آمریکا وجود دارد، مطرح شد. در این قسمت، حسن آیت، به عنوان اینکه در این لایحه دعاوی مالی ایران مشخص نشده است، و ممکن است «پیش ما دست آمریکا یفتند» خواستار لغو دوفوریتی این لایحه شد در این زمینه دو مخالف و موافق سخن گفتند.

آنکاه مهندس بهزاد نبوی وزیر مشاور در امور اجرائی در مقام پاسخگویی اظهار داشت:

«اصولا هنوز هیچ نوع تعهدی از جانب ما و یا آمریکا به الجزایر سپرده نشده و فقط یک سری نقطه نظرهایی ارائه شده و هنوز نتیجه گیری نشده است. بالطبع چنانچه در این فاصله هیئت نمایندگی تغییر کنند، چه بسا که دولت های جدید سلیقه های دیگری داشته باشند. البته باید صریحا بگویم که از نظر دولت، فرقی بین کارتر و ریگان نیست و هر چه دولت کنونی آمریکایی گوید، با توافق دولت ریگان است و اینها جنبه نمائشی دارد. ولی این را هم می دانیم که اگر این گفتگوها به جای نرسد، در زمان دولت بعدی هم گفتگوها

وزیر مشاور در امور اجرائی، در جلسه علنی دیروز مجلس گفت:

امریکا هر چه از دستش برآید علیه انقلاب ما می کند

مشکل ایران با آمریکا با اشغال جاسوسخانه آمریکا شروع نشد و با دادن گروگانها هم ختم نخواهد شد.
ماده واحده پذیرش حکمیت در دعاوی مالی ایران با آمریکا، با افزودن یک تبصره، تصویب شد.

ادامه می یابد. قصد ما جلوگیری از اطلاع مطلب بود. ضمنا ما اصل ارجاع به حکمیت را می خواهیم از مجلس اجازه بگیریم، ولی در مورد دعاوی مختلف مجدداً تأیید مجلس لازم است».

سپس در مورد پیشنهاد آیت رای گرفته شد، که به تصویب نرسید. آنکاه دکتر هادی با دادن توضیحاتی اظهار حسن آیت را مردود شمرد و تاکید کرد که باید حکمیت سالخی وجود داشته باشد که طرفین آن را قبول داشته باشند. سپس امین تاقیری به عنوان مخالف این طرح سخن گفت. وی از جمله اظهار داشت:

«ما با اعلام آن چهار شرط به دنیا اعلام کردیم که هدف ما از گروگانگیری احتیاق حقایق اذ دست رفته مان است. حالا هم باید پای این شرطها بایستیم. در آن شرطها گفته شده بودند که وقتی گروگانها آزاد می شوند که آمریکا همه تصیقات علیه ایران را لغو کند... این مسئله با اکثریت آراء به تصویب رسید، در حالی که این لایحه تناقض آشکار با مصوبه خود ما دارد. مسئله دیگر مربوط به مذاکره است که مجلس آنرا با اکثریت قاطع رد کرد. این افتخار مجلس بود. ما به دولت موقت حمله می کردیم که باب گفتگو با یک آمریکایی را باز کرده و ما باید این باب را می بستیم. این باعث سوء استفاده مخالفین است و من به دولت هشدار می دهم که مواظب چنین مواضعی باشند».

امریکا هیچ غلطی نمیتواند بکند

ناطق سپس در مورد تغییر دولت آمریکا و اثرات آن، با اشاره به یکی از سخنان امام خمینی، گفت:

«ما باید جویری رفتار کنیم که طمع دشمن را بریانگیزد. ما هر چه نرمش نشان دهیم دشمن، آمریکا، که می خواهد به حاکمیت ملی ما لطمه بزند، دندانهای را تیزتر می کند. ما باید شعارهایی که امام با آنها انقلاب را به اینجا رساند و گفت که آمریکا هیچ غلطی نمی تواند بکند، پای بند باشیم. ما نباید از زست های اینها بهراسیم که نمی هراسیم».

فضل الله محلاتی، اولین موافق این طرح، ضمن سخنانی، از جمله گفت:

«ما داوری را می خواهیم انتخاب کنیم، یش از این مسئله ای نیست. هیچ نوع تسلیمی در مقابل آمریکا نیست که ما احساس ذلت کنیم. ریگان که در مصاحبه های گفته فعلا امام قدرت سابق را ندارد و دولت هم در ایران قدرتی ندارد، و ما منتظر آمدن دولت میانه روتری هستیم... ریگان باید بداند که نمی تواند از اختلافات جزئی بهره برداری کند. روزی که با گرفتن لانه جاسوسی آمریکا، فریاد مردم ایران بلند شد، دفتر دولت سازشکاری که بخواهد با آمریکا صحبت کند بسته شد. دیگر هیچ دولتی در ایران، با این رهبر و این ملت، قدرت سازش با آمریکا را نخواهد داشت. ولی الان صحبت سازش نیست، ما به دولت اجازه داده ایم و دولت بر آن اساس این طرح را مطرح کرده است».

ناطق سپس افزود: «از این گذشته ما باید حقیقت را بپذیریم. حق که نه، چون حقوق ما در این چیزها خلاصه نمی شود. فقط خواستیم فعلا حقوق قانونی ما را بدهند والا کشوری که این همه جنایت کرده، و الان هم توطئه می کند و گفته است که بعدا علنا از عراق حمایت می کند، برزیسکی را به خورمیهانه فرستاده... ما با اینها مذاکره نداریم. استقامت ما در برابر آمریکا همیشه خواهد بود و ما دیگر سلطه ای را نمی پذیریم».

نصرالهی، مخالف بعدی، چنین استدلال کرد: «ما چهار شرط برای آمریکا گذاشتیم... در این شروط دتاوی

۱۰ به قبل و بعد از گروگانگیری مربوط نیست. امام می گوید: همه بدبختیهای ما از آمریکا است. آمریکا در مذاکرات مدعی شده است که اموال ما را آزاد می کند فقط یک اشکال کوچک دارد و آن اینکه از نظر حقوق آمریکا بعضی امور در اختیار ما نیست. سؤال من این است که آیا دعاوی شرکت های آمریکایی قبل از گروگانگیری هم وجود داشت یا خیر؟ در حقیقت اموال ما از قبل مسدود شده بود و مسئله این است که آمریکا هیچ حسن نیتی از خود نشان نداده است. آنها دارند اینقدر مسئله را کش می دهند که اشرف و بقیه دارند اموال شاه را از حوزه قضایی آمریکا خارج می کنند».

آمریکا از هم اکنون شرایط مجلس را زیر پا گذاشته است

نصرالهی گفت: «یکی از شرایط ما این بود که آمریکا در ایران مداخله نظامی نکند. همین الان جوانهای ما دارند در جبهه ها کشته می شوند. ما هم که می گوئیم این جنگ با عراق نیست، با آمریکا است. دست آمریکا در سیستان و بلوچستان و کردستان... دیده می شود. از طرف دیگر هر روز توطئه های رنگارنگ اعمال آمریکا سرمایه داران وابسته، فتوادلها... در نقاط مختلف کشور دیده می شود. این هم مداخله. بنابراین چهار شرط از طرف آمریکاییها گذاشته شده و بعد از تصویب مجلس آمریکا هیچ قدمی در این راه برنداشته است. و ظریفانه ما را به جای کشانده است که فقط رسیدیم به پول و حالا هم در دنیا عنوان می کند که یک ملت وحشی چند انسان متمن را گرفته و حالا می گوید پول بده تا اینها را آزاد کنم! این جنگ روانی علیه ماست، مایبی که می گفتیم که آمریکا باید جواب جنایات ۳۵ ساله خود را در ایران بدهد».

نصرالهی در قسمت دیگری از سخنان خود اظهار داشت: «به این مسئله فکر کنید و ببینید آیا بعد از این همه غارتها ما به آمریکا بدهکاریم یا آمریکا به ما؟»

سپس مذاکرات مجلس ادامه یافت و موافقین و مخالفین نظرات خود را ابراز داشتند. وزیر مشاور در امور اجرائی در پاسخ ایرادات نمایندگان مخالف گفت:

«ما همه می دانیم که آمریکا هر چه از دستش برآمده و برآید در رابطه با انقلاب اسلامی ما کرده و خواهد کرد. یعنی مسئله ملاحظه یک جناح مطرح نیست. مشکل ما با آمریکا با اشغال جاسوسخانه شروع نشد و با دادن گروگانها هم ختم نخواهد شد. ولی ما در این مدت به پیروزیهای بزرگی رسیدیم و نباید گفت که «حالا به اینجا ختم شده است». به اعتقاد ما اشغال جاسوسخانه به پیروزیهای خود رسیده است. داشتیم تعهدی را که آمریکا نوشته به الجزایر داده می خواندیم. دیدم از نظر سیاسی اشغال جاسوسخانه یک مجموعه افتخار آفرین برای ما بوده که آمریکا را به جای کشانده ایم که چنین چیزهایی بنویسد. بنویسد که از این پس دیگر در امور ایران دخالت نخواهیم کرد... اینها در واقع آن پیروزیهایی است که ما بدست آوردیم. اگر بخواهیم مسئله را به بعد اقتصادی قضیه بکشاییم، باید بگویم که ما پوزه آمریکا را با اشغال لانه جاسوسی به خاک مالیدیم. ما اعتماد به نفس درملل مستضعف جهان بوجود آوردیم. در داخل مملکت با این کار تحول ایجاد کردیم و حرکت هایی را که در جهت نوعی همکاری با شیطان بزرگ پیش می رفت، متوقف کردیم. ولی طبیعی است که در یک مرحله ای باید این مسئله را به انجام برسانیم».

لایحه تصویب شد

در پایان مذاکرات دیروز، با افزودن یک تبصره، لایحه رجوع به حکم، در مورد اختلافات ایران و آمریکا، تصویب شد. متن تبصره به شرح زیر است:

«در مورد اختلافاتی که رسیدگی در محاکم صالحه ایران در قرارداد مربوط پیش بینی شده است، از شمول این ماده واحده مستثنی است».

در حاشیه مجلس

جان گروگانها یا منافع جنرال مورتوز؟

مهندس بهزاد نبوی وزیر مشاور در امور اجرائی، هنگام بحث درباره جزئیات لایحه گفت: «اولا بگویم آمریکا خیلی دلش نمی خواهد این مساله حل شود. با اطلاعی که ما داریم، می دانیم آمریکا خیلی تمایل به حل این مساله ندارد. ثانیا اصلا آمریکا برای این ۵۲ نفر کوچکترین ارزشی قائل نیست. شما فکری کنید این ۵۲ نفر مساله خیلی مهمی است برای آمریکا و تادست اینها، دست ما باشد، کمپانی جنرال مورتوز از یک قرانش می گذرد پانمی گذرد؟! این مساله نیست».

لیبرالها... لیبرالها...

وقتی یکی از نمایندگان در سخنان خود گفت: «ریگان گفته است ما منتظر سرکار آمان دولت میانه روتری در ایران هستیم».
از گوشه و کنار مجلس زمزمه بلند شد: لیبرالها... لیبرالها...

مازمن حزب در شاهرود ۲۵۰۰۰ ریال	علاقتمندان می توانند کمک مالی خود را بحساب پانکی به نام تقی کیمنش وبه شماره ۳۳۳۲ شعبه ۴۱۸ بانک ملی ایران (شعبه دهخدا)، خیابان شهید دکتر حسین فاطمی بیردازند.
پدرش ۴۲۰ ریال	
نازلی برای حزب پدرش از ۴۲۰۰۰ ریال	
گرگان ۴۲۰۰۰ ریال	
عاج ۳۰۰۰۰ ریال	

کمک مالی به حزب سوسیالیست یک وظیفه انقلابی است!

۱۵۰۰ ریال

تمام کارشناسیها و سمپاشی های دشمنان اسلام و استقلال کشور، کارآئی و آمادگی دزمی نیرو- های مسلح اسلام بحد کافی و کامل رسیده، بتوانند تمام خطرات و تهدیدهای نظامی دشمنان را در نطفه خفه سازند».

سازمان کاریهایی... اینجانب باردیکسر مسئولین مربوطه را به این امر مهم توجه میدهم و از آنان میخواهم به منظور تقویت روحیه اترتس و سه و بوجود آوردن زمینه هماهنگی کامل ففامی در صحنه های جنگ، بکوشند هر چه زودتر سپاه پاسداران، این جوانان عزیزجان برکفرا، که با تمام وجود از دستاوردهای انقلاب و وطن اسلامی دفاع میکنند، به انواع سلاحهای سنگین و مدرن آموزش داده، تا بهخواست خدای بزرگ، علیرغم

« نهضت آزادی ایران » و « اخلاق اسلامی »

☆ نهضت آزادی ایران که با انتساب فقید آیت‌الله طالقانی بغزوه، در کوشش برای کسب اعتبار است، خوبست بیاد بیاورد که آیت‌الله طالقانی «جماق کمونیسم» را سلاح دربار ننگین پهلوی میدانست.

انقلاب ایران ایستاده و سعی در جلوگیری از تعمیق آن دارد، بلکه درست آن مشی رادیکال می‌کند که آیت‌الله طالقانی طراح و مبتکر آنرا دربار ننگین پهلوی معرفی کرده است: **جماق کمونیسم!**

آیت‌الله طالقانی روز ۱۴ اسفند ۱۳۵۷ در مراسم بزرگداشت دکتر مصدق گفت: «استان ۲۸ مرداد پیش آمد. خوب شده؟ خوب نتیجه‌ای گرفتیم؟ بهره بردیم؟ نباید این تاریخ برای ما تجربه باشد؟ من وقتی به مسجد آمدم، آن قدر نامه بعنوان چپ‌ها و توده‌ای‌ها البته بعنوان آنها - با شعارهای آنها، ترا می‌کشیم، همه آخوندها را میکشیم، بشارت‌ان میزنیم بین ۲۵ تا ۲۸ مرداد، اگر در راه ما مقاومت کنید، چو چه می‌کنیم، و برای مراجع دیگر فرستادند. من این را می‌دانستم. ما می‌دانستیم این دروغ و دسیسه است که کمونیسم میخواهد مسلط شود و دین را می‌خواهد از بین ببرد. عده‌ای داد «والسلام» شان بلند شد و عده دیگر با شعارهای این طرفی‌شان»

(۱۵ اسفند - ۱۳۵۷ روزنامه‌های تهران) آیت‌الله طالقانی در سخنرانی خود در شب اربعین (دیماه ۱۳۵۷) بصراحت گفت که این اعلامیه‌ها توسط دربار ننگین پهلوی تهیه و پخش می‌شده است. (به نقل از کتاب «طالقانی و تاریخ»)

براستی اگر «نهضت آزادی ایران» آیت‌الله طالقانی را از بنیانگذاران خود میدانند، چگونه است که توطئه‌ای را، که آن مبارز بزرگ افشا کرده است، بیکباره دنبال میکنند؛ لیبرال‌ها و از جمله «نهضت آزادی ایران» پیوسته به حزب توده ایران دشنام می‌دهند و افترا می‌زنند، که «نامه سرگشاده به مجاهدین انقلاب اسلامی»، تا این لحظه، آخرین آنهاست. برآستی که میتوان علیه این همه افترا اعلام جرم کرد. اما حزب توده ایران اعلام جرم نمی‌کند چون فایده ندارد؛ زیرا ظاهراً دشنام‌گویی و افترازی به حزب توده ایران جرم نیست، ولی تاریخ خود بزرگترین تشخیص‌دهنده جرمها و خود تنها مجری مجازات است. مجازاتی که حذف طبقات می‌رنده و نیروهای مخالف توده‌ها، از صحنه مبارزه سیاسی است.

که آقایان تا چه حد به «اخلاق اسلامی»، که خود مدعی‌اش هستند، پایبنداند و تا چه حد از سقوط در آن «ورطه خطرناک» خودداری کرده‌اند.

بعلاوه، «نهضت آزادی ایران»، که این چنین ناروا و بی‌بروا، به حزب توده ایران، حزبی که طی حیات چهل ساله خود هزاران قربانی در راه استقلال و آزادی و ترقی ایران داده و هم‌اکنون نیز فرزندان خلف و قربانیان در جبهه‌ها برای دفاع از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران، می‌جنگند و شهید میشوند، افترا می‌زند، آیا از یاد برده است که درباره عناصر خائن چون امیرانظامها، بختیارها، نزاریها، مقدم‌مراغه‌ای‌ها که یا از اعضای «نهضت آزادی ایران» بوده‌اند و یا از دوستان نزدیک آن - یا اظهار نظر کرده و یا حتی کوشیده است خیانت آنها را توجیه کند؟ هنوز هم این سؤال برای مردم ایران مطرح است که: بالاخره بختیار «رفیق دیرینه» رهبران «نهضت آزادی ایران» است یا خسائن است؟ تزیه «دانشنامه می‌کنند یا خیانت؟ ... از این قبیل سئوالات - اگر «نهضت آزادی ایران» آماده پاسخگویی باشد، فراوان است.

از این گذشته، «نهضت آزادی ایران» در حالیکه با انتساب آیت‌الله طالقانی به خود، در کوشش برای کسب اعتبار است، نه تنها مشی انقلابی این مبارز بزرگ را دنبال نمی‌کند، نه تنها برخلاف آیت‌الله طالقانی در مقابل

متاسفانه باید بگوئیم که این آرزوی حزب توده ایران هنوز برآورده نشده است و مشی دشمنان و مخالفان حزب ما، چیزی غیر از تمهت، دروغ، افترا و فحاشی نیست. راه دور نمی‌رویم. به سوابق تاریخی و ریشه دشنامها و افتراها به حزب توده ایران، که مبتکر آن امپریالیسم و ارتجاع جهانی پس‌کردگی آمریکا است و توسط جلادانی چون سرلشکر بختیار و «سرهنگ زیبایی» اجرا شده، نمی‌پردازیم. ما این سخنان را با بیانات «شاهانه» درباره حزب توده ایران و آنچه که سرلشکر باثباتقلیچ، همین چند هفته پیش در دادگاه انقلاب علیه حزب توده ایران گفت، مقایسه نمی‌کنیم. اجازه بدهید دو روز بعد از نوشتن سرمقاله بالا در روزنامه «میزان»، باز هم بسراغ این روزنامه برویم و در صفحه دوم آن، در روز ۲۰ دیماه، به «نامه سرگشاده نهضت آزادی ایران به مسئولین سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی» مراجعه کنیم:

«... و یا اصولاً چرا اسمی از بسیاری از احزاب وابسته چون حزب توده، حزبی که خیانتش را بارها تجربه کرده‌ایم، نمی‌آورد؟» بگمان ما، قیاس این تمهت‌ها، که حتی در آن ابتکار هم دیده نمی‌شود و همچنان جایزه ابتکار آن به سواوک و سیا تعلق دارد، با سرمقاله دو روز قبل رهبر «نهضت آزادی ایران» در روزنامه ارگان این «نهضت»، نشان میدهد

«وقتی اصالت به سوء ظن داده شد و وقتی پیشاپیش همه مردم را دغل و دروغگو و مکار و وابسته و خیانتکار و توطئه‌چین دانستیم، و هنگامیکه هنگامان را عریضی فرض کردیم و هرکدام را خودسرانه در خطی انحرافی قرار دادیم، البته کار بیحاصلی به آنجا خواهد کشید که بجای همدلی و برادری و رفاقت، کسانی باید بشینند و برای پیش‌داورها و پیش‌فرضهای خود دلیل بتراشند و چون قبلاً فرض بر ناپاکی دیگران است...»

حزب توده ایران که بهیچ روی نمیتواند و نمی‌خواهد با آن مشی سیاسی که نویسنده این مطالب، یعنی آقای مهندس بازرگان، نماینده آن است، همدلی و رفاقت داشته باشد، با مضمون این مطلب، که در سرمقاله ۱۸ دیماه ۵۹ روزنامه «میزان» چاپ شده است، یعنی با شیوه اصولی مبارزه سیاسی و ایدئولوژیک - بدون دشنام و افترا - موافقت کامل دارد. این توافق، چنانکه بر هنگام روشن است، ریشه در مشی انقلابی و اصولی حزب توده ایران دارد. همانطور که تاریخ حزب ما نشان داده است، توده‌ای‌ها با دشنام و افترا و تمهت مخالفانند و حتی با دشمنان سیاسی خود، با زبان انقلابی، یعنی براساس شواهد، واقعیات و اسناد سخن می‌گویند. این واقعت را حتی دشمنان حزب توده ایران نمی‌توانند انکار کنند.

رهبر «نهضت آزادی ایران» در ادامه مقاله بالا می‌نویسد: «هیچگاه مسلمانی بحکم احکام اخلاق اسلامی و به رعایت حقوق برادری و اخوت ایمانی و براساس اصل برائت، بخود اجازه سقوط در چنین ورطه خطرناکی را نخواهد داد.» (همانجا) حزب توده ایران که خود هرگز در «ورطه خطرناک» افترا و دروغ نیفتاده و با تکیه به اخلاق انقلابی خود، هرگز هم نخواهد افتاد، بسیار خرسند خواهد شد که مخالفان آنها، نه بر شالوده اخلاق انقلابی ما، بلکه بر اساس اعتقادات خود - اگر فقط ادعا نیست - که از جمله در سخنان بالا آمده و اجتناب از آن، «عدم رعایت اخلاق اسلامی» تعبیر شده، در این ورطه نیافتند.

برای درهم کوبیدن انقلابیون

بفرمان امریکا، ارتش‌های مزدور گواتمالا و هندوراس وارد السالوادور شدند

☆ بیش از ۲۰ هزار نفر از کارکنان دولت به اعتصاب عمومی پیوسته‌اند...

☆ این مداخله مسلحانه بخشی از تجاوز نظامی مستقیم آمریکا در السالوادور است.



مستشار نظامی

آمریکایی، رهبر

«مبارزان افغانی»

رسانه‌های گروهی هند به نقل از مقامهای آگاه افغانی اعلام کردند که نیروهای زمینی افغانستان و گروههای مسلح خلق یک مستشار آمریکایی را در جنوب افغانستان بقتل رسانده‌اند. یک خبرگزاری هند گزارش داد که در جریان درگیری میان نیروهای مسلح افغانستان و واحدهای مسلح خلق در ایالت زایو با گروهی از مزدوران ضد-انقلابی، عده زیادی از این مزدوران و همچنین یک مستشار آمریکایی، که رهبری این باند را در دست داشت، کشته شدند.

از سوی دیگر، روزنامه آمریکایی «فیلادلفیا اینکوآیر» فاش کرد که آمریکا تصمیم گرفته است کمک به «مبارزان» افغانی را افزایش دهد. به‌نوشته مطبوعات آمریکایی، این کشور سلاحهای ضدتانک و ضدهوایی در اختیار ضدانقلابیون افغانی در پیشاور در پاکستان، قرار میدهد.

نامه مردم ارگان مرکزی حزب توده ایران

دارنده امتیاز و مدیر مسئول: منوچهر بهزادی خیابان ۱۶ آذر شماره ۶۸ (دفتر نامه «مردم» هنوز در اختیار نامه «مردم» نیست)

NAMEH MARDOM

No. 420 15 January 1981

Price: West-Germany 0.80 DM France 2 Fr. Austria 8 Sch. England 20 P. Belgium 10 Fr. Italy 350 L. U.S.A. 40 Cts Sweden 1.50 Skr.

خوانندگان گرامی نامه «مردم» و همه مقامات دولتی و غیر دولتی میتوانند به آدرس زیر با نامه «مردم» مکاتبه کنند: صندوق پستی ۴۱/۳۵۵۱ ۱۴ پستی تهران

رژیم هندوراس نیز، قسمتی از سربازان ویژه ضدچریکی خود را، که در پایگاه آمریکا در پاناما آموزش دیده‌اند، روانه السالوادور کرده است و مزدوران طرفدار آناستاز یاسوموزا، دیکتاتور معدوم نیکاراکوئه و ضدانقلابیون کوبایی نیز، با کمک آمریکا، به آن کشور انتقال یافته‌اند. «جبهه دمکراتیک انقلابی» السالوادور با انتشار بیانیه‌ای، اعلام کرد:

«مداخله مسلحانه رژیم‌های ارتجاعی گواتمالا و هندوراس، بخشی از طرحهای امپریالیسم آمریکا برای نجات رژیم نظامی السالوادور است.»

تشکیل بریگاد بین‌المللی برای کمک به انقلابیون

در این میان، کمیته مکزیکی همبستگی با خلق السالوادور اعلام کرد:

«برای پشتیبانی از انقلابیون آن کشور، یک بریگاد بین‌المللی تشکیل شده است.»

رئیس این کمیسیون، در جریان تظاهراتی در مقابل سفارت آمریکا در شهر مکزیکو، که طی آن، مداخله امپریالیسم آمریکا در السالوادور، محکوم شد، تشکیل این بریگاد را اعلام کرد. مردم السالوادور، علیرغم تمام توطئه‌های امپریالیسم آمریکا و مداخلات نظامی دست‌نشانده‌گانش در کشور، قاطعانه نبرد خود را برای سرنگونی رژیم فاشیست السالوادور ادامه می‌دهند و در این مبارزه از پشتیبانی نیروهای انقلابی در سراسر جهان برخوردارند.

انقلابیون السالوادور، تهاجم وسیع و همه‌جانبه خود علیه مزدوران آمریکایی حاکم بر این کشور را ادامه می‌دهند. نیروهای مسلح خلق توانسته‌اند با حمایت همه‌جانبه مردم، شهر «سانفرانسیسکو گوتو» را از تصرف ارتش مزدور السالوادور خارج کنند. عملیات نظامی نیروهای انقلاب در حالی شدت می‌گیرد که اعتصاب عمومی اعلام شده در این کشور، روز به روز گسترش می‌یابد. صدها کارخانه، کارگاه و بسیاری از بانکها و ادارات تعطیل شده و خطوط اتوبوسرانی شهر سان‌سالوادور، پایتخت کشور، از کار افتاده است. تعداد کارمندان دولت، که به حمایت از درخواست اعتصاب عمومی از سوی جبهه آزادیبخش ملی السالوادور (فارا بوند و مارتی) و جبهه دمکراتیک انقلابی، اعلام شده، بیش از ۲۰ هزار نفر اعلام شده است.

«جبهه دمکراتیک انقلابی» اعلام کرده‌است که ارتش مزدور «گواتمالا، نیروهای خود را وارد یکی از استانهای کشور کرده‌است. مقامهای آمریکایی اعلام کرده‌اند که، کارتر تصمیم دارد کمک نظامی خود را به داروسته نظامی حاکم بر السالوادور افزایش دهد. اعلام رسمی این خبر از سوی مقامهای آمریکایی، گواه تشدید فعالیت آمریکا برای مداخله مستقیم نظامی در السالوادور است. این مداخله نظامی با کمک ارتش‌های دست‌نشانده گواتمالا و السالوادور صورت خواهد گرفت.

گزارشهای رسیده حاکیست که واحدهای ارتش مزدور گواتمالا، که وارد السالوادور شده‌اند، به سوی شهر «سانته آنا»، که تحت کنترل نیروهای انقلابی است، پیش می‌روند. این گزارشها نشان می‌دهد که

خلق نامی بیا، مبارزه مسلحانه خود را تشدید خواهد کرد

«در صورتی که کنفرانس زنو بر اثر خرابکاری آفریقای جنوبی و دست‌نشانده‌گان آن به نتیجه نرسد، «سواپو» خواستار اعمال مجازاتهای اقتصادی همه‌جانبه علیه آفریقای جنوبی خواهد شد. لازم به تذکر است که کنفرانس زنو برای استقلال نامی بیا، با نظارت سازمان ملل متحد تشکیل شده است، ولی نژادپرستان آفریقای جنوبی، که سالهاست نامی بیا را در اشغال خود دارند، به پبانه‌های مختلف تلاش دارند کنفرانس را با شکست روبه‌رو سازند.

سام نجوما، رهبر «سازمان خلق آفریقای جنوب غربی» (سواپو) در مصاحبه مطبوعاتی که در زنو برگزار شد، درباره نتیجه تلاشهایی که نژادپرستان آفریقای جنوبی در جهت به بن‌بست کشاندن کنفرانس زنو بعمل می‌آورند، گفت: «اگر کنفرانس زنو بر اثر کارشکنی نژادپرستان آفریقای جنوبی با شکست روبرو شود، خلق نامی بیا، مبارزه مسلحانه خود علیه اشغالگران را گسترش خواهد داد.» نجوما همچنین افزود: